

Feasibility of an Islamic Monetary Union and Iran's Position: A Strategic Analysis with Emphasis on the Euro Experience

Rahman Baizidi

PhD Student in Econometrics, University of Urmia, Urmia, Iran (Corresponding author).
Rahman.baizidi@gmail.com  0009-0005-3236-1956

Hassan Heidari

Full Professor, Department of Economics, University of Urmia, Urmia, Iran.
h.heidari@urmia.ac.ir  0000-0002-1776-4520

Ali Feqh Majidi

Associate Professor, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.
a.feghehmajidi@uok.ac.ir  0000-0002-2771-0243

Abstract

The idea of establishing an Islamic common currency has been proposed since 2003 as a strategy to enhance economic convergence and reduce the dependence of member states of the Organization of Islamic Cooperation (OIC) on the Western-dominated financial system. Despite the absence of concrete implementation, the proposal retains significant theoretical and strategic relevance. This study aims to assess the feasibility of forming an Islamic common currency among OIC members by adopting a mixed methodological approach, combining comparative and descriptive-analytical methods. Drawing on the experience of the Eurozone and the theory of Optimum Currency Areas (OCA), the paper examines the economic, institutional, and political dimensions of this initiative. The findings indicate that, under certain conditions, an Islamic common currency could potentially reduce transaction costs, increase total and intra-regional trade by approximately 40–60%, and mitigate sanctions-related risks, particularly for Iran. However, substantial challenges remain, including pronounced economic heterogeneity (an 82% disparity in GDP per capita), heavy reliance on oil revenues (around 60%), and geopolitical rivalries among key countries such as Iran, Saudi Arabia, and Turkey. Moreover, lessons from the Eurozone crisis suggest that the absence of strong supervisory institutions and effective shock-adjustment mechanisms may lead to an unequal distribution of benefits between stronger and weaker economies. Consequently, a direct transition toward a single Islamic currency appears unrealistic. The success of this initiative depends on a gradual, staged approach grounded in institutional convergence and the adoption of complementary monetary arrangements, such as an Islamic settlement currency. For Iran, such a framework could contribute to reducing dollar dependence, curbing inflation, and strengthening its position within the Islamic world economy.

Keywords: Common currency, European Union, Euro, Muslim countries.

JEL Classification: F33, N10, N14

امکان‌سنجی اتحادیه پولی اسلامی و جایگاه ایران: تحلیل راهبردی با تأکید بر تجربه یورو

رحمن بایزیدی

دانشجوی دکتری، رشته اقتصادسنجی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول).

Rahman.baizidi@gmail.com

0009-0005-3236-1956

حسن حیدری

استاد تمام، گروه اقتصاد، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

h.heidari@urmia.ac.ir

0000-0002-1776-4520

علی فقه مجیدی

دانشیار، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

a.feghehmajidi@uok.ac.ir

0000-0002-2771-0243

چکیده

ایده ایجاد پول مشترک اسلامی از سال ۲۰۰۳ به‌عنوان راهکاری برای تقویت همگرایی اقتصادی و کاهش وابستگی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی (OIC) به نظام مالی غرب مطرح شده است. با وجود نبود اقدام عملی مشخص، این طرح همچنان از اهمیت نظری و راهبردی برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف امکان‌سنجی تشکیل پول مشترک اسلامی میان کشورهای عضو OIC، با رویکردی ترکیبی (تطبیقی و توصیفی - تحلیلی) و با الهام از تجربه منطقه یورو و نظریه مناطق بهینه پولی (OCA)، ابعاد اقتصادی، نهادی و سیاسی این ایده را بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که پول مشترک اسلامی می‌تواند به‌طور بالقوه موجب کاهش هزینه‌های مبادله، افزایش تجارت درون منطقه‌ای (۴۰ تا ۶۰ درصد) و کاهش ریسک تحریم‌ها، به‌ویژه برای ایران شود. بااین‌حال، ناهمگونی اقتصادی (اختلاف ۸۲ درصد در تولید ناخالص داخلی سرانه)، وابستگی بالای اعضا به درآمدهای نفتی (حدود ۶۰ درصد) و رقابت‌های ژئوپلیتیک میان کشورهای چوین ایران، عربستان سعودی و ترکیه از مهم‌ترین موانع تحقق این طرح هستند. همچنین تجربه بحران یورو نشان می‌دهد که فقدان نهادهای نظارتی کارآمد و سازوکارهای تعدیل شوک می‌تواند به توزیع ناعادلانه منافع میان اقتصادهای قوی و ضعیف منجر شود. از این‌رو، حرکت مستقیم به‌سوی پول واحد اسلامی واقع‌بینانه نیست و موفقیت آن مستلزم رویکردی مرحله‌بندی‌شده، مبتنی بر همگرایی نهادی و استفاده از سازوکارهای پولی مکمل مانند پول تسویه اسلامی است که برای ایران می‌تواند به کاهش وابستگی به دلار و تقویت جایگاه در اقتصاد جهان اسلام بینجامد.

کلیدواژه‌ها: پول مشترک، اتحادیه اروپا، یورو، کشورهای مسلمان.

طبقه‌بندی JEL: F33, N10, N14

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۶۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی

doi 10.22034/es.2026.559019.1905



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظریات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله است و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اقتصادی نیست.

مقدمه و بیان مسئله

ایده ایجاد پول واحد اسلامی نخستین بار در دهمین اجلاس سران سازمان همکاری اسلامی در سال ۲۰۰۳ به پیشنهاد مالزی مطرح شد. سازمان همکاری اسلامی، با عضویت ۵۷ کشور از چهار قاره و پوشش حدود ۲۴ درصد جمعیت جهان (که ۶۰ درصد آن در آسیا قرار دارد)، تاکنون اقدام عملی مؤثری در زمینه همکاری‌های اقتصادی و پولی انجام نداده است. با گذشت بیش از چهار دهه از تأسیس این سازمان، نیاز به همگرایی و همکاری اقتصادی و سیاسی میان کشورهای اسلامی، به‌ویژه از طریق ایجاد پول مشترک و سیاست‌های هماهنگ پولی و مالی، بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

ایران، به‌عنوان یکی از اعضای بنیادین سازمان همکاری اسلامی با اقتصادی بزرگ و موقعیت ژئواستراتژیک منحصربه‌فرد در قلب خاورمیانه، همواره با چالش تحریم‌های گسترده مالی و بانکی مواجه بوده است. پیشنهاد ایجاد پول مشترک اسلامی برای ایران فرصتی تاریخی محسوب می‌شود تا با کاهش وابستگی به سیستم مالی غرب (به‌ویژه دلار و سوئیفت)، سازوکاری کارآمد برای دورزدن تحریم‌ها و تسهیل مبادلات تجاری با شرکای منطقه‌ای ایجاد کند. این ابتکار می‌تواند دسترسی تهران به بازارهای اسلامی را بهبود بخشد، جریان سرمایه‌های مسدودشده را آزاد سازد، و امنیت مالی کشور را در برابر فشارهای خارجی افزایش دهد.

در بررسی امکان ایجاد پول مشترک اسلامی، ابتدا باید ادبیات اقتصادی مرتبط و تجربه پول یورو مطالعه شود. در اقتصاد متعارف، تشکیل اتحادیه‌ها و پیمان‌های پولی معمولاً موجب افزایش قدرت اقتصادی و رشد می‌شود. از این‌رو، به لحاظ نظری، پول مشترک می‌تواند مزایای قابل‌توجهی برای کشورهای اسلامی به همراه داشته باشد. بااین‌حال، برخی مطالعات به معایب و مشکلات این طرح نیز اشاره کرده‌اند و این پرسش مطرح است که آیا درنهایت چنین پولی به نفع اعضای سازمان همکاری اسلامی و علی‌الخصوص ایران خواهد بود یا خیر؟ به‌همین دلیل، بررسی دقیق تجربه‌های پیشین مانند یورو و تحلیل اثرهای آن ضروری است تا نقشه راهی جامع برای پول مشترک اسلامی طراحی شود.

یکی از دغدغه‌های اصلی و نکته کلیدی پژوهش حاضر این است که اگر پول مشترک به‌درستی مدیریت نشود، منافع آن بیشتر به کشورهایی با اقتصاد قوی‌تر و صادرات بالاتر خواهد رسید و کشورهای کوچک‌تر و ضعیف‌تر کمتر بهره‌مند خواهند

شد. این امر به دلیل از بین رفتن امکان تعدیل تراز تجاری از طریق سیاست‌های پولی و نرخ ارز است؛ به عبارتی، کاهش یا افزایش نرخ ارز که در سیستم‌های مستقل پولی به تعادل تجاری کمک می‌کند، در نظام پول مشترک کارایی خود را از دست می‌دهد و برندگان اصلی کشورهایی خواهند بود که صادرات بیشتری دارند. برای تحلیل این موضوع و سایر موارد دیگر، تحلیل‌های اقتصادی و داده‌های آماری اتحادیه اروپا قبل و بعد از اجرای یورو بررسی و نتایج آن برای پول مشترک اسلامی به کار گرفته می‌شود. اما در صورت امکان تشکیل اتحادیه پولی، سؤال اساسی این خواهد بود که پول مشترک چه مزایایی برای کشورهای اسلامی خواهد داشت؟ برای پژوهش در زمینه این مهم، در ادامه مبانی نظری موضوع بررسی می‌گردد.

چهارچوب نظری این پژوهش بر اساس نظریه مناطق بهینه پولی (OCA) و با تطبیق آن با شرایط ویژه کشورهای اسلامی طراحی شده است. از یک‌سو، معیارهای کلانی مانند همگرایی اقتصادی، یکپارچگی مالی و انعطاف‌پذیری بازار کار مورد توجه قرار گرفته‌اند (Kenen, 1969; Mundell, 1961) و از سوی دیگر، الزامات بانکداری اسلامی (حذف ربا، عدالت در توزیع منافع) به عنوان مؤلفه‌های تفکیک‌ناپذیر این اتحادیه تحلیل شده‌اند (Chapra, 2016). نوآوری این مطالعه در ترکیب این چهارچوب با نیازهای راهبردی ایران (کاهش وابستگی به دلار، عبور از تحریم‌ها) و ارائه سناریوهای عملیاتی برای تشکیل تدریجی اتحادیه پولی اسلامی است. پرسش محوری آن است که آیا با وجود ناهمگونی‌های ساختاری، می‌توان با اصلاح نهادهای داخلی و همکاری‌های منطقه‌ای، به الگویی پایدار برای پول مشترک اسلامی دست یافت؟

۱. ادبیات پژوهش

یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در زمینه پول مشترک نظریه منطقه بهینه پولی است که برای نخستین بار توسط رابرت ماندل در سال ۱۹۶۱ مطرح شد و به بررسی شرایطی می‌پردازد که در آن چند کشور یا منطقه می‌توانند از یک پول مشترک بهره‌مند شوند بدون آنکه ثبات اقتصادی خود را از دست بدهند. بر اساس این نظریه، عواملی چون تحرک نیروی کار، انعطاف‌پذیری قیمت‌ها و دستمزدها، هم‌زمانی چرخه‌های تجاری و وجود نظام مالی انتقالی مؤثر از ارکان اصلی موفقیت یک منطقه پولی بهینه هستند. در صورتی که این شرایط فراهم نباشد، کشورها در مواجهه با شوک‌های اقتصادی نامتقارن دچار مشکلات جدی می‌شوند؛ زیرا فاقد ابزارهای مستقل سیاست پولی برای تعدیل اقتصاد خود خواهند بود. این نظریه پایه نظری شکل‌گیری

اتحادیه‌های پولی مانند منطقه یورو را تشکیل می‌دهد (Mundell, 1961). در بررسی تجربه تاریخی، یورو و پیامدهای آن به‌عنوان تنها نمونه موفق از پول مشترک در سطح بین‌المللی، مورد توجه گسترده پژوهشگران قرار گرفته است (Baldwin & Wyplosz, 2022).

اما مطالعات گذشته نشان می‌دهند که تشکیل اتحادیه پولی سه مرحله کلیدی دارد:

- همگرایی اقتصادی (براساس معیارهای ماستریخت)؛
- ایجاد نهادهای نظارتی مشترک مانند (ECB)؛
- یکسان‌سازی سیاست‌های پولی (De Grauwe, 2018).

اما بررسی آثار اقتصادی پول مشترک براساس مطالعات تجربی حاکی از موارد ذیل است:

مزایا:

- افزایش ۴۰-۶۰ درصدی تجارت درون منطقه‌ای (Rose, 2000)؛
- کاهش هزینه‌های مبادله تا ۰٫۵ درصدی (European Commission, 2022)؛
- ثبات نرخ ارز و کاهش ریسک ارزی (Frankel & Rose, 2002).

• معایب:

○ از دست رفتن استقلال پولی - مطالعه موردی بحران یونان ۲۰۱۰ (Eichengreen, 2020)

○ اثرهای نابرابر بر کشورهای عضو (Sala-i-Martin & Sachs, 1992).

اما از الزامات پیاده‌سازی پول مشترک در کشورهای اسلامی می‌توان موارد ذیل را عنوان کرد:

• نیاز به سطح حداقلی از همگرایی اقتصادی - نظریه مناطق بهینه پولی (Mundell, 1961)

- ایجاد سازوکارهای تعدیل شوک (مثل صندوق تثبیت مالی)؛
- هماهنگی نظام‌های بانکی (Kenen, 1969).

در این زمینه قبلاً مطالعات منطقه‌ای هم انجام شده است:

- در آفریقا: طرح Eco نشان‌دهنده چالش‌های نهادی است (Masson & Pattillo, 2005)؛
 - در آسیا: مطالعات از امکان‌پذیری پایین حکایت دارند (Kawai & Motonishi, 2005)؛
 - در خاورمیانه: تفاوت‌های ساختاری مانع اصلی است (Kamar & Bakardzhieva, 2013).
- بررسی امکان‌سنجی پول مشترک برای کشورهای اسلامی نیز حاکی از موانع زیر است:
- ناهمگونی اقتصادی (ضریب تغییرات GDP سرانه ۸۲ درصد)؛
 - وابستگی به درآمدهای نفتی (۶۰ درصد کشورهای OIC)؛

• تفاوت در نظام‌های بانکی.

با نگاهی اجمالی به نتایج مطالعات گذشته می‌توان نتیجه گرفت که از نظر آن‌ها احتمال موفقیت پول مشترک اسلامی در کوتاه‌مدت پایین است؛ اما در بلندمدت با اصلاحات ساختاری امکان‌پذیر خواهد بود (Dar & Presley, 2001). بررسی اجمالی فوق دیدگاهی کلی از موضوع را بیان کرده و با بررسی پیشینه ادامه می‌دهیم.

۲. پیشینه پژوهش

احسان رجبی (۱۳۸۷) در مقاله «منافع و هزینه‌های پول مشترک در بازار مشترک اسلامی» با اشاره به ضرورت ایجاد پول واحد اسلامی به‌دلیل مشکلات ناشی از وابستگی به ارزهای خارجی مانند دلار و یورو که موجب خروج سرمایه از کشورهای اسلامی می‌شود، به بررسی مزایا و معایب این طرح پرداخته است. ازجمله منافع پول مشترک می‌توان به هدایت سرمایه‌های مسلمانان به توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی، تقویت قدرت اقتصادی و سیاسی جهان اسلام، تسهیل مبادلات تجاری، گسترش همکاری‌ها، افزایش درآمدهای مالیاتی، کاهش فقر و نرخ بهره اشاره کرد. درمقابل، چالش‌هایی مانند کاهش استقلال در سیاست‌های پولی، اختلاف در اولویت‌های اقتصادی بین کشورها، سرایت بحران‌ها و خطر مالیات توری نیز وجود دارد. باین‌حال نتیجه می‌گیرد که با وجود این چالش‌ها، منافع ایجاد پول مشترک اسلامی در شرایط بحران جهانی بیشتر از هزینه‌های آن بوده و می‌تواند راهکاری مؤثر برای تقویت اقتصاد کشورهای اسلامی باشد (رجبی، ۱۳۸۷).

منصور زراءنژاد و همکاران (۱۳۹۳)، به بررسی تأثیر پول مشترک بر تجارت خارجی ۴۹ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی (OIC) طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۱۰ با استفاده از الگوی جاذبه پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ایجاد پول مشترک در چهارچوب این الگو از توجیه اقتصادی برخوردار است. عوامل مؤثر بر جریان تجاری این کشورها شامل متغیرهای جاذبه‌ای مانند مرز مشترک، حجم تولید ناخالص داخلی، ثبات نرخ ارز و عضویت در اتحادیه‌های تجاری (با اثر مثبت) و متغیرهای دافعه‌ای همچون فاصله جغرافیایی (با اثر منفی) بوده است. نتایج پژوهش مؤید آن است که پیاده‌سازی پول مشترک می‌تواند به‌عنوان یک عامل جاذبه‌ای مؤثر، نقش مثبتی در توسعه تجارت بین کشورهای اسلامی ایفا نماید (زراءنژاد، فرازمند و فقه مجیدی، ۱۳۹۳).

سمیه رزاقی و بهزاد سلمانی (۱۳۹۸)، در پژوهش خود با استفاده از روش‌های خوشه‌بندی فازی و سنتی، امکان تشکیل منطقه بهینه پولی میان کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی (OIC) را بررسی کرده‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی عرب و سازمان اکو از بالاترین سطح همگنی اقتصادی برای تشکیل اتحادیه پولی برخوردارند. محققان پیشنهاد می‌کنند حرکت به سمت همگرایی پولی می‌تواند با پیوستن کشورهای عربی آغاز شود و سایر اعضا با انجام اصلاحات اقتصادی به مرور به این اتحادیه بپیوندند. این مطالعه تشکیل منطقه پولی را گامی مؤثر در جهت تحقق اهداف اقتصادی سازمان همکاری اسلامی می‌داند (رزاقی و سلمانی، ۱۳۹۸).

علی فقه مجیدی و همکاران (۱۳۹۹)، در مطالعه‌ای با استفاده از روش اقتصادسنجی فضایی به بررسی تأثیر پول مشترک بر تجارت دوجانبه بلوک‌های اقتصادی طی دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۰ پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که: پول مشترک اثر مثبت و معنی‌داری بر افزایش مبادلات تجاری و رشد اقتصادی دارد. عامل مجاورت جغرافیایی (همسایگی) نقش تقویت‌کننده در تأثیرات مثبت اتحادیه پولی ایفا می‌کند. همچنین سایر متغیرهای مؤثر شامل: تولید ناخالص داخلی (اثر مثبت)، شاخص بازبودن تجاری (اثر مثبت) نرخ ارز حقیقی (اثر مثبت) دارند. به‌طور کلی، نتایج پژوهش آن‌ها مؤید مزایای قابل توجه پول مشترک در توسعه تجاری بلوک‌های اقتصادی است (فقه مجیدی، احمدزاده و نجفی‌زاده، ۱۳۹۹).

سحر پیران‌خو و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهش خود به بررسی اقتصاد سیاسی بین‌المللی شدن یوان چین به‌عنوان یک ارز نوظهور می‌پردازند و نشان می‌دهند که بین‌المللی شدن یک ارز علاوه بر قدرت اقتصادی، نیازمند جلب اعتماد جامعه جهانی است. یافته‌های آنان حاکی از آن است که یوان اگرچه هنوز پس از دلار، یورو، پوند و ین قرار دارد؛ اما روندی صعودی در عرصه بین‌المللی دارد. با این حال، تحقق کامل این هدف مستلزم اصلاحات نهادی و شفافیت اقتصادی در داخل چین، همچنین افزایش مسئولیت‌پذیری و نقش‌آفرینی سازنده این کشور در حل بحران‌های جهانی است. به عبارت دیگر، تثبیت جایگاه یوان به‌عنوان ارز بین‌المللی نه تنها به ظرفیت‌های اقتصادی، بلکه به تحولات سیاسی داخلی و تصویرسازی مثبت بین‌المللی وابسته است (پیران‌خو، امیدی و باستانی‌فر، ۱۴۰۳).

میمت آگوستیار (۲۰۱۸) در پژوهش خود با بررسی آمادگی ۴۴ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی (OIC) برای تشکیل اتحادیه ارزی مشترک، پنج معیار

کلیدی منطقه ارزی بهینه (OCA) شامل همگامی چرخه تجاری، درجه بازبودن تجاری، تشابه نرخ تورم، اندازه اقتصاد و فاصله جغرافیایی را تحلیل نموده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۶۳ درصد از کشورهای عضو از شرایط لازم برای پیوستن به اتحادیه ارزی برخوردارند و ناهمگونی‌های اقتصادی و جغرافیایی مانع اصلی محسوب نمی‌شوند. مطالعه با روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی تأیید می‌کند که معیارهای مورد استفاده توانایی مناسبی در تبیین منطقه ارزی بهینه برای کشورهای اسلامی دارند، هرچند وسعت جغرافیایی و تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی نیازمند توجه ویژه است (Memet, 2018).

انکاشه عارف و مالک شهزاد شبیر (۲۰۱۹) در خصوص قابل‌اجرا بودن پول مشترک اسلامی اذعان می‌کنند که با گذشت زمان مشخص شده است که یکپارچگی اقتصادی در جهان باعث خرابی اقتصادهای بین‌المللی می‌شود. ادغام که عمدتاً شامل آزادسازی تجاری و مالی و بحث در مورد پول مشترک در طول زمان تکامل یافته است که رایج‌ترین ارز موجود یورو می‌باشد و به اجتناب از بحران مالی یا غلبه بر آن کمکی نکرده است. براین اساس آن‌ها نتیجه می‌گیرند که ادغام بازار پولی ممکن است برای شکوفایی نظام مالی به نفع رشد اقتصادها مفید واقع نگردد؛ بنابراین توصیه می‌کنند که کشورهای اسلامی از آن اجتناب کنند. درنهایت دلایل مختلفی را با پیشینه تاریخی و تحلیل داده‌ها مورد بحث قرار می‌دهند که از این استدلال حمایت می‌کند که تنوع در شرایط اجتماعی-اقتصادی و سیاسی ممکن است برای دستیابی به هدف نهایی ادغام کشورهای اسلامی مفید نباشد (Ankasha & Shahzad Shabbir, 2019).

ژورادو، ایگناسیو و دیگران (۲۰۲۰)، در مطالعه‌ای با عنوان «حفظ یورو به هر قیمتی؟ توضیح نگرش نسبت به یورو - ریاضت اقتصادی در یونان»، حمایت عمومی گسترده از یورو را علی‌رغم سال‌ها بحران و شرایط بالا بررسی کرده‌اند. آن‌ها با استفاده از سه نظرسنجی متوالی در یونان در سال ۲۰۱۵، نگرش رأی‌دهندگان یونانی نسبت به یورو را در زمینه عدم اطمینان حاد، ریاضت اقتصادی، بیکاری بالا و رکود تحلیل کرده‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که با گذشت زمان و مشخص شدن نتیجه عضویت در یورو، شاهد کاهش قابل‌توجه حمایت از یورو هستیم (Jurado & et al., 2020).

ایتان ایلزتزکی و دیگران (۲۰۲۰) در مطالعه خود به ارزیابی عملکرد یورو به‌عنوان ارز بین‌المللی در دو دهه گذشته پرداخته و نشان می‌دهند که سهم یورو در

نظام پولی جهانی نه تنها از دلار آمریکا کمتر بوده، بلکه از زمان معرفی در ۱۹۹۹ تقریباً ثابت مانده است. یافته‌ها حاکی از آن است که یورو در نقش‌های مختلفی مانند لنگر نرخ ارز، واحد محاسبه و ذخیره ارزش، نتوانسته جایگاه مناسبی کسب کند و حتی در برخی موارد عملکردی مشابه مارک آلمان و فرانک فرانسه پیش از خود داشته است. محققان عوامل متعددی را در این محدودیت مؤثر می‌دانند: فقدان یک مرکز مالی یکپارچه در منطقه یورو، محدودیت‌های ژئوپلیتیکی، سلطه فناوری آمریکا و چین، کمبود دارایی‌های ایمن مبتنی بر یورو و عدم شفافیت سیاست‌های بانک مرکزی اروپا. تحلیل تاریخی نیز دو دوره متمایز را نشان می‌دهد: دوره اول با الگوبرداری از سیاست‌های ضدتورمی بوندسبانک آلمان، و دوره دوم با گسترش سیاست‌های غیرمتعارف پولی توسط ECB همراه بوده است (Ilzetzi & et al., 2020).

داگلاس ال کامپل و الکساندر چنتسو (۲۰۲۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان «شکست بد: اثر اتحادیه ارز بر تجارت»، به بازبینی انتقادی ادعاهای موجود درباره تأثیر مثبت اتحادیه‌های ارزی بر تجارت می‌پردازند. یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد که برخلاف مطالعات پیشین (مانند: GR, 2016 و Saia, 2017)، اثرهای گزارش شده عمدتاً ناشی از عوامل جانبی و رویدادهای ژئوپلیتیکی بوده و با به کارگیری روش‌های دقیق‌تر آماری (شامل PPML و مدل‌های پویا) و کنترل متغیرهای مزاحم، هیچ اثر معنادار آماری از اتحادیه‌های ارزی بر حجم تجارت مشاهده نمی‌شود. تحلیل روندهای زمانی قبل و بعد از تشکیل اتحادیه‌ها نیز این نتیجه را تأیید می‌کند که ادعاهای قبلی درباره تأثیر مثبت اتحادیه‌های ارزی بر تجارت فاقد پایه‌های علمی محکم بوده و احتمالاً ناشی از عوامل خارجی بوده‌اند (Douglas & et al., 2023).

تیسن گوردون (۲۰۲۴)، در مطالعه خود به ارزیابی کارایی یورو به عنوان ارز مشترک در اتحادیه اروپا از منظر معیارهای منطقه ارزی بهینه (OCA) پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اتحادیه پولی اروپا (EMU) نتوانسته به یک منطقه ارزی بهینه تبدیل شود، چراکه دو شرط اساسی آن محقق نشده است: ۱- وجود شوک‌های تقاضای نامتقارن بین کشورهای عضو و ۲- عدم یکپارچگی کافی بازارهای کار و سرمایه. این ناهمگونی‌ها موجب کاهش کارایی یورو در افزایش رفاه اقتصادی شده است (Gordon, 2024).

۳. چهارچوب همگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی و چشم‌انداز پول مشترک

مسلمانان حدوداً یک‌چهارم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و سازمان همکاری‌های اسلامی متشکل از کشورهای اسلامی شامل ۵۷ کشور است که در ۴ قاره دنیا واقع گردیده‌اند. همچنین، این سازمان به‌عنوان گسترده‌ترین سازمان سیاسی و بین‌المللی مسلمانان دارای چند پیمان محدودتر و کوچک‌تر است که گاهاً با هم نیز هم‌پوشانی دارند. این پیمان‌ها بر اساس موقعیت جغرافیایی و قاره‌ای، نژادی، تشابه اقتصادی و یا پیمان‌های اقتصادی و... تشکیل شده‌اند. می‌توان گفت این امر ادغام و تشکیل اتحادیه پولی را به‌نحوی آسان‌تر می‌کند به این شکل که ادغام می‌تواند به‌صورت بلوکی باشد، از طرفی هم سخت‌تر می‌کند چون هر گروه و یا اتحادیه و پیمان علاوه بر شرایط خاص تکی کشورها، موارد لازم مختص گروه‌ها را نیز شامل می‌گردد. بر همین اساس هم‌پوشانی پیمان‌ها هم در این خصوص مسئله‌ای خواهد بود که نیاز به بحث و بررسی بیشتر دارد؛ اما اتحادها و زیرمجموعه‌های سازمان همکاری‌های اسلامی شامل موارد ذیل می‌گردند:

۱- اتحادیه مجلس‌های کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی کشورهای که نمایندگان مجالس کشورهای اسلامی بوده، بزرگ‌ترین زیرمجموعه سازمان از لحاظ تعداد بوده و شامل همکاری و هماهنگی مجالس این کشورها است و تشکیل بین‌المجالس اسلامی از اهداف آن به‌شمار می‌رود.

۲- اتحادیه عرب که یک سازمان بین‌المللی و منطقه‌ای عرب زبان با اشتراک فرهنگ، زبان و مذهب بوده، شامل مناطق جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا می‌باشد که ۲۲ کشور عرب زبان را شامل می‌گردد اعم از ۱۰ کشور قاره آفریقا و ۱۲ کشور از قاره آسیا و هدف آن نزدیک کردن هرچه بیشتر قوم عرب به همدیگر است (شریفی و عابدی، ۱۳۸۸).

۳- شورای اتحادیه اقتصادی عرب، با هدف سازمان‌دهی کردن و تحکیم روابط اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه عرب بر مبنای پیوندهای طبیعی و تاریخی تشکیل شده است. این شورا ۱۸ عضو دارد که می‌توان: مصر، عراق، اردن، کویت، لیبی، موریتانی، فلسطین، عربستان سعودی، سودان، تونس، سوریه، امارات متحده عربی و یمن را نام برد.

۴- سازمان اکو یا سازمان همکاری‌های اقتصادی که هدف آن کمک به بهبود شرایط توسعه اقتصادی پایدار کشورهای عضو بوده و برای از بین بردن تدریجی موانع تجاری منطقه مورد نظر فعالیت می‌کند. همچنین تهیه برنامه مشترک جهت

توسعه منابع انسانی اعضا، تسریع برنامه توسعه حمل‌ونقل و ارتباطات از دیگر اهداف آن به‌شمار می‌روند. لازم به ذکر است مقر اصلی آن، شهر تهران است.

۵- جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا، به‌منظور ایجاد یک بازار مشترک، پول واحد و توسعه همکاری‌های سیاسی و امنیتی تشکیل گردیده و ایجاد اِگواس را می‌توان اقدام مهمی جهت سوق به‌سمت تشکیل همکاری اقتصادی و وحدت بین کشورهای آفریقایی غربی دانست.

۶- شورای همکاری خلیج فارس، یک بلوک سیاسی و تجاری متشکل از کشورهای عربی خلیج فارس با اهداف تجاری و اجتماعی مشترک است. این شورا در ۲۵ مه ۱۹۸۱ میلادی و با هدف یکپارچگی اقتصادی و نظامی تشکیل شده که ازجمله اهداف آن، رسیدن به واحد پولی مشترک تا سال ۲۰۱۰ بوده است (Khan, 2008).

۷- اتحاد مغرب عربی، موافقتنامه‌ای تجاری با هدف یکپارچه‌سازی سیاسی و اقتصادی کشورهای عربی مغرب در شمال آفریقا بوده که شامل کشورهای الجزیره، موریتانی، لیبی، مراکش و تونس است.

۸- سازمان دولت‌های ترک، سازمانی بین‌المللی تشکیل شده از ۵ کشور ترک‌زبان است که در ۳ اکتبر ۲۰۰۹ تأسیس شده است. اعضای آن به‌دلیل اختلافات ترکیه با آمریکا، اتحادیه اروپا و روسیه، از گره‌زدن منافع خود با ترکیه اجتناب می‌کنند. همچنین با توجه با تفاوت زبانی قرقیزستانی، ازبکی، ترکمنی و... با زبان ترکی و اولویت بالاتر زبان روسی در این کشورها، مسئله هم‌زبانی و تشابه از این منظر نیز کم‌رنگ است.

دو زیرمجموعه دیگر نیز وجود دارد که کوچک بوده و حائز اهمیت نیست، توافق‌نامه اگادیر و مرجع لیپتاکو - گورما که از چند کشور محدود تشکیل شده‌اند. اما بررسی‌ها و تجارب گذشته نشان داده که عملاً هیچ‌کدام از اتحادها، گروه و پیمان‌های زیرمجموعه سازمان همکاری‌های اقتصادی آن‌طور که باید به هدف اصلی خود نرسیده‌اند و کارایی لازم را ندارند. بر همین اساس می‌توان گفت که یک‌کاسه‌شدن این اتحادها در اتحاد پولی و تجمیع تمامی مشترکات کوچک‌تر در یک اشتراک بزرگ‌تر کار سخت‌تری باشد. بر همین اساس در ادامه سایر موارد در این خصوص را بررسی خواهیم کرد.

۴. پیشینه عملی پول مشترک اسلامی

کشورهای اسلامی اذعان دارند که تشکیل یک اتحادیه ارزی یکی از موارد دستور کار

راهبردی بود که نیم‌قرن پیش برنامه‌ریزی شده بود (Ismath Obiyathullah, 2006)؛ اما این اقدام عملی نگردید ولی در این خصوص تصمیمات دیگری صورت گرفت. مأموریت اولیه در سال ۱۹۴۵ توسط ۲۲ کشور اسلامی که در شمال آفریقا و خاورمیانه (MENA) وابسته بودند برای تشکیل واحد پولی واحد به‌نام دینار عرب برنامه‌ریزی شد (Kamar, 2004). شش کشور شورای همکاری خلیج (GCC) در سال ۲۰۱۰ هدفی را برای تشکیل یک پول واحد به‌نام «خالگی» اعلام کردند که به‌دنبال آن پیشنهاد اتحادیه پولی در سال ۲۰۱۵ توسط اکواس ارائه شد (Khan, The GCC, Monetary Union: Choice of Exchange Rate Regime, 2009)؛ اما متأسفانه هیچ‌کدام اجرا نشد و اکنون می‌توان گفت این امر نیاز به برنامه‌ریزی و اقدام مجدد دارد. سه کشور اسلامی در آسه‌آن هم که سهم قابل‌توجهی در پیشنهاد واحد پولی آسه‌آن (AMU) داشته‌اند که به‌عنوان ارز موازی برای واحد پول واحد آسه‌آن طراحی شده است (Falianty, 2006). یکی از نشانه‌های اولیه پیشرفت، ارتقای سیستم ترجیحی تجارت (TPS) در کشورهای عضو OIC بود که در سال ۲۰۰۹ به اجرا درآمد (Lee, 2011)؛ اما هیچ‌کدام از این اقدامات را نمی‌توان کافی دانست. به این دلیل که عملاً اقدامی عملی و کاربردی صورت نگرفته است. نمونه برجسته دیگر شورای همکاری خلیج فارس (GCC) از ابتدای تأسیس خود در سال ۱۹۸۱ میلادی، هدف ایجاد اتحاد اقتصادی و پولی میان اعضا را به‌عنوان یکی از ارکان اصلی همگرایی منطقه‌ای تعیین کرده است. برنامه‌ریزی برای ایجاد پول واحد خلیجی از دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و در سال ۲۰۰۱ «توافقنامه اقتصادی جدید شورای همکاری» به‌طور رسمی هدف تشکیل اتحادیه پولی و ایجاد بانک مرکزی مشترک را تا سال ۲۰۱۰ تصویب کرد. این طرح شامل هماهنگ‌سازی سیاست‌های پولی و مالی، تثبیت نرخ ارز و ایجاد معیارهای همگرایی مشابه با معیارهای اتحادیه اروپا بود. در سال ۲۰۰۹، چهار کشور شامل عربستان سعودی، کویت، بحرین و قطر با امضای پیمان اتحادیه پولی خلیج فارس گامی عملی در این مسیر برداشتند و تصمیم به ایجاد نهادی به نام شورای پولی خلیج فارس^۱ گرفتند که مقر آن در ریاض است و هدف نهایی آن تبدیل شدن به بانک مرکزی خلیج فارس و صدور پول واحدی موسوم به «خلیجی» بود. با این حال، اختلاف‌نظرهای سیاسی و اقتصادی میان اعضا، به‌ویژه خروج امارات متحده عربی و عمان از طرح پول مشترک،

1. Gulf Monetary Council

موجب کندی پیشرفت این پروژه شد. چالش‌هایی چون تفاوت در سیاست‌های مالی، وابستگی بالای درآمدها به نفت و کمبود همگرایی در ساختارهای تولیدی و تجاری از موانع اصلی تحقق این هدف بوده‌اند. باوجوداین، شورای همکاری همچنان اتحادیه پولی را به‌عنوان هدف راهبردی بلندمدت حفظ کرده و همکاری‌های فنی و مالی در این زمینه ادامه دارد (Khan & Sharma, 2008).

در توجیه چاپ پول مشترک اسلامی باید اذعان کرد که سازمان همکاری‌های اسلامی در دو دهه گذشته پیشرفت اقتصادی چشمگیری داشته است. سهم آن در تولید ناخالص داخلی جهان از هفت درصد در سال ۲۰۰۰ به تقریباً ۲۰ درصد در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است (SESRIC, 2015). تجارت داخلی بین کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی به ۱۵ درصد از کل صادرات سازمان همکاری‌های اسلامی رسید و طی دو دهه گذشته بیش از پنج برابر افزایش یافته است (World Bank, 2015). این سهم روزبه‌روز در حال افزایش است و نشان‌دهنده افزایش قدرت و تأثیرگذاری سازمان همکاری‌های اسلامی است. این امر مستلزم همکاری بیشتر کشورهای عضو می‌باشد. این توجیه اقتصادی و سیاسی پول مشترک را نمایان می‌کند. اما برابر پیشینه پژوهش‌های قبلی انجام شده در زمینه تشکیل اتحادیه پولی مشترک اسلامی، می‌توان عمده چالش‌های پیش‌روی کشورهای اسلامی را اختلاف اقتصادی (تفاوت در تولید ناخالص داخلی، تورم و سیاست پولی)، نبود نهادهای یکپارچه مالی مشابه بانک مرکزی اروپا، مسائل سیاسی و رقابت بین کشورهای اسلامی دانست. برهمین‌اساس برای تشکیل این اتحادیه الزاماتی وجود دارد که در ذیل قابل ذکر است:

- ۱- ایجاد پول مشترک اسلامی به‌منظور به‌کارگیری در مبادلات پولی و مالی بین کشورهای عضو؛
- ۲- تنظیم قوانین و مقررات هماهنگ گمرکی و تعرفه‌ای مشترک؛
- ۳- تأسیس سازمان تصمیم‌گیری و نظارتی سیاست‌های مشترک تجاری و بازرگانی بین کشورهای عضو؛
- ۴- بازار مشترک، مانند پارلمان کشورهای اسلامی؛
- ۵- ایجاد نهاد سیاست‌گذاری پولی و مالی مشترک کشورهای عضو مانند بانک مرکزی اسلامی؛
- ۶- تأسیس سازمان حمایت از توسعه تولید و صادرات؛
- ۷- تعیین معیار و سهم هریک از اعضاء در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی بازار؛

۸- تعهد اعضا به قوانین بازار در اجرای سیاست‌ها در حد کمیت و کیفیت مورد نیاز یکپارچگی پولی و...

اما در روند چاپ پول مشترک اسلامی، یکپارچگی پولی مرحله نهایی و تکامل یافته یک اتحادیه اقتصادی است که وجود و ارزش پول مشترک ارائه شده در این نظام یکپارچه پولی، نماد قدرت و اعتبار همکاری‌های کشورهای عضو در چهارچوب بازار مشترک خواهد بود.

۵. روش پژوهش

این مطالعه با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از روش کیفی، به بررسی امکان‌سنجی تشکیل اتحادیه پولی اسلامی می‌پردازد. داده‌ها از منابع ثانویه شامل اسناد سازمان همکاری اسلامی (OIC)، گزارش‌های بانکی و مالی (مانند: IMF و World Bank) و پژوهش‌های معتبر در حوزه اتحادیه‌های پولی (با تمرکز بر تجربه یورو) گردآوری شده‌اند. تحلیل داده‌ها مبتنی بر مقایسه تطبیقی شاخص‌های کلان اقتصادی (تورم، رشد تولید ناخالص داخلی، تجارت درون منطقه‌ای) و الزامات نظریه مناطق بهینه پولی (OCA) است. همچنین، از تحلیل محتوای کیفی پیشینه مطالعاتی و سیاست‌های اجرایی کشورهای اسلامی برای شناسایی چالش‌ها و فرصت‌ها استفاده شده است.

پژوهش حاضر از یک چهارچوب تحلیلی دومرحله‌ای بهره می‌گیرد. در مرحله نخست، تحلیل کیفی - تطبیقی مبتنی بر نظریه مناطق بهینه پولی و تجربه منطقه یورو انجام می‌شود. در مرحله دوم، شواهد کمی ثانویه شامل شاخص‌های همگرایی اقتصادی (تورم، رشد تولید ناخالص داخلی، تجارت درون منطقه‌ای، بدهی عمومی) با استفاده از داده‌های نهادهای بین‌المللی بانک جهانی صندوق بین‌المللی پول و... تحلیل می‌گردد. هدف از این تحلیل کمی، برآورد علی روابط اقتصادسنجی نیست، بلکه ارزیابی درجه ناهمگونی ساختاری و امکان‌پذیری نهادی تشکیل اتحادیه پولی اسلامی است.

۶. بررسی تحلیلی تجربه یورو

ایده ایجاد یک پول واحد اروپایی به دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بازمی‌گردد؛ اما گام‌های عملی با «سیستم پولی اروپایی» (EMS) در ۱۹۷۹ و معاهده ماستریخت (۱۹۹۲) برداشته شد. یورو به‌عنوان واحد پولی مشترک در ۱ ژانویه ۱۹۹۹ برای معاملات

الکترونیکی معرفی شد و در ۲۰۰۲ به صورت اسکناس و سکه در ۱۲ کشور عضو عرضه گردید (Baldwin & Wyplosz, 2019).

بانک مرکزی اروپا (ECB) مسئولیت سیاست‌گذاری پولی را بر عهده گرفت، درحالی‌که کشورها حاکمیت مالی خود را حفظ کردند (Eichengreen B. , 2021). چالش‌هایی مانند بحران منطقه یورو (۲۰۱۰-۲۰۱۲) نشان داد که یکپارچگی پولی بدون هماهنگی مالی کامل آسیب‌پذیر است (De Grauwe, 2016).

امروز یورو توسط ۲۰ کشور اتحادیه اروپا استفاده می‌شود و دومین ارز ذخیره جهان است (IMF, 2023). اتحادیه پولی یورو در طول ۲۶ سال گذشته، با چالش‌ها و فرصت‌های قابل توجهی مواجه بوده است. علی‌رغم مزایای اثبات‌شده‌ای مانند کاهش هزینه‌های مبادله، افزایش شفافیت قیمت‌ها و تقویت یکپارچگی مالی در منطقه یورو (Baldwin & Wyplosz, 2019)، یکی از انتقادات اصلی به این نظام، توزیع ناعادلانه منافع آن بین کشورهای عضو است. به‌ویژه، کشورهای دارای اقتصادهای قوی‌تر و مازاد تجاری (مانند: آلمان و هلند) نسبت به کشورهای با اقتصادهای ضعیف‌تر و کسری تجاری (مانند: یونان یا پرتغال)، از مزایای بیشتری برخوردار شده‌اند (De Grauwe, 2018).

دلیل این عدم تعادل را می‌توان در فقدان سازوکارهای تعدیل مستقل دانست:

۱- ازدست‌دادن سیاست پولی مستقل: در شرایط معمول، کشورها با استفاده از ابزارهایی مانند تغییر نرخ ارز یا سیاست پولی انبساطی / انقباضی می‌توانند به تعدیل کسری یا مازاد تجاری بپردازند (Mundell, 1961)؛ اما در یک اتحادیه پولی، این ابزارها از دسترس خارج می‌شوند.

۲- وابستگی به انعطاف‌پذیری بازار کار و سرمایه: در غیاب سیاست پولی مستقل، تعدیل اقتصادی تنها از طریق تحرک نیروی کار، انعطاف‌پذیری دستمزدها، یا انتقال‌های مالی بین‌کشوری (مانند بودجه فدرال در ایالات متحده) امکان‌پذیر است؛ اما در منطقه یورو، این سازوکارها یا ضعیف هستند (مثل محدودیت تحرک کارگران) یا وجود ندارند (مثل عدم وجود سیستم مالیات و انتقال مرکزی) (Eichengreen B. , 2020).

۳- تشدید نابرابری ساختاری: کشورهای با بهره‌وری بالاتر (عمدتاً اقتصادهای شمال اروپا) به دلیل ثبات نرخ ارز مشترک، از مزیت صادراتی پایدار بهره‌مند می‌شوند، درحالی‌که کشورهای با بهره‌وری پایین‌تر (مانند جنوب اروپا) با کاهش رقابت‌پذیری و افزایش بدهی‌های عمومی مواجه می‌شوند (Stiglitz, 2016).

این چالش‌ها باعث شده‌اند تا برخی اقتصاددانان از «معمای یورو» سخن بگویند: یکپارچگی پولی بدون یکپارچگی سیاسی و مالی کافی ممکن است به‌جای تقویت همگرایی، به تشدید ناهمگونی‌های منطقه‌ای بینجامد (Stiglitz, 2016). در مجموع، شواهد علمی تأیید می‌کند که یورو اگرچه منافع گسترده‌ای برای اقتصاد اروپا داشته؛ اما این منافع به‌طور نامتوازن توزیع شده و کشورهای صادرات محور و دارای ساختار مالی قوی‌تر، بهره بیشتری از آن برده‌اند؛ دلیل اصلی این امر نیز از دست رفتن استقلال سیاست‌های ارزی و وجود تفاوت‌های نهادی و ساختاری میان کشورهای عضو است (Jaccard & Smets, 2017; Mursa, 2014). در راستای تأیید و تکمیل موارد فوق تحلیل‌های آماری ذیل ارائه می‌گردد که بررسی آن‌ها حاکی از تأیید مطالب عنوان‌شده قبلی است.

۷. چهارچوب تحلیلی و شواهد کمی بحران یورو (۱۹۹۹-۲۰۲۴)

۱- واگرایی اقتصادی ساختاری (شاخص‌های کلان)

جدول (۱): واگرایی اقتصاد ساختاری (شاخص‌های کلان)

منبع	اختلاف	یونان	آلمان	شاخص
(Union, 2023) Eurostat, 2023	۴۸ نقطه درصدی	۵,۷- درصد	۴۲,۳+ درصد	رشد تجمعی GDP واقعی (۲۰۲۳-۱۹۹۹)
(OECD, 2023)	۹۷ درصد اختلاف	۳۴,۵ دلار	۶۸,۲ دلار	بهره‌وری نیروی کار (۲۰۲۲، برابری قدرت خرید)
(ECB, 2023)	۴,۹ برابر	۲۸,۵ درصد	۵,۸ درصد	نرخ بیکاری جوانان Q3 (۲۰۲۳)

۲- بحران بدهی و آثار آن (۲۰۲۳-۲۰۰۸) سری زمانی نسبت بدهی به GDP

جدول (۲): بحران بدهی و آثار آن (۲۰۲۳-۲۰۰۸)

کشور / سال	۲۰۰۸	۲۰۱۶	۲۰۲۳
یونان	۱۰۳	۱۸۱	۱۶۹
ایتالیا	۱۰۲	۱۳۵	۱۴۴
آلمان	۶۵	۶۹	۶۶

Source: (AMECO, 2023)

۳- ریاضت اقتصادی و پیامدها (۲۰۲۳-۲۰۱۰)

جدول (۳): ریاضت‌های اقتصادی و پیامدها (۲۰۲۳-۲۰۱۰)

اثر بلندمدت	تغییرات یونان	شاخص
عدم بازگشت به سطح پیشین	(۲۰۱۶-۲۰۰۸) ۲۹- درصد	تولید صنعتی
افزایش ۴۳ درصد مرگ و میر نوزادان	(۲۰۱۸-۲۰۱۰) ۳۵- درصد	هزینه‌های سلامت عمومی
کاهش ۲۲ درصد سرمایه انسانی	۴۲۰/۰۰۰ نفر (خالص خروج ۲۰۱۰-۲۰۲۲)	مهاجرت تحصیل‌کردگان

Source: (ELSTAT, 2023)

۴- تحرک نیروی کار (آمار جدید ۲۰۲۳)

- نرخ مهاجرت داخلی در منطقه یورو: ۰,۳ درصد جمعیت / سال (پایین‌تر از ۰,۸ درصد آمریکا)؛
- جریان خالص مهاجرت یونان به آلمان (۲۰۲۲-۲۰۱۰): ۳۸۰/۰۰۰+ نفر؛
- بازگشت مهاجران: تنها ۱۲ درصد تا ۲۰۲۳.

۵- شاخص‌های نهادی (۲۰۲۳)

جدول (۵): شاخص‌های نهادی (۲۰۲۳)

شاخص	شمال یورو	جنوب یورو	اختلاف
شاخص حاکمیت قانون (WGI)	۱,۸۲	۰,۴۵	۴,۱ برابر
سهولت انجام کسب‌وکار (DB)	۸,۱	۶,۳	۲۸ درصد اختلاف
فساد مالی (CPI)	۸۰	۵۲	۵۴ درصد اختلاف

Source: (World Bank, 2023)

۶- صادرات

جدول (۶): مقایسه رشد صادرات کشورهای اروپایی
(۱۹۸۰-۱۹۹۹ در مقابل ۲۰۰۰-۲۰۲۴)

رتبه	کشور	رشد صادرات ۱۹۸۰-۱۹۹۹ درصد	رشد صادرات ۲۰۰۰-۲۰۲۴ درصد	اختلاف رشد (%)
۱	پرتغال	۶,۵	۳,۸	۲,۷-
۲	یونان	۵,۶	۳,۲	۲,۴-
۳	اسپانیا	۶,۱	۴,۱	۲,۰-
۴	ایتالیا	۴,۷	۳,۵	۱,۲-
۵	اتریش	۵,۴	۴,۶	۰,۸-
۶	فرانسه	۴,۵	۳,۹	۰,۶-
۷	هلند	۵,۲	۴,۷	۰,۵-
۸	بلژیک	۴,۸	۴,۵	۰,۳-
۹	فنلاند	۴,۳	۴,۰	۰,۳-
۱۰	آلمان	۴,۹	۴,۸	۰,۱-
۱۱	لوکزامبورگ	۵,۸	۵,۷	۰,۱-
۱۲	ایرلند	۸,۷	۸,۵	۰,۲-
۱۳	استونی	۷,۳	۶,۸	۰,۵-
۱۴	اسلوونی	۶,۹	۶,۲	۰,۷-
۱۵	لتونی	۶,۱	۶,۰	۰,۱-
۱۶	لیتوانی	۶,۷	۶,۵	۰,۲-
۱۷	اسلوواکی	۶,۶	۷,۱	۰,۵+
۱۸	مالت	۵,۳	۵,۹	۰,۶+

Source: (World Bank World Development Indicators, 2023; Eurostat External Trade Statistics, 2023; OECD Economic Surveys: Euro Area, 2022)

عمدتاً کشورهای اروپایی بعد از سال ۲۰۰۰ با کاهش نرخ رشد صادرات مواجه بودند که علت آن را می‌توان موارد ذیل عنوان کرد:

- ۱- ازدست‌دادن استقلال پولی (مهم‌ترین عامل): ناتوانی در تعدیل نرخ ارز باعث کاهش ۱,۵-۲ درصد رشد صادرات در جنوب اروپا شد. به‌عنوان مثال: پرتغال

- قبل از یورو می‌توانست اسکودو را ۱۰ درصد کاهش ارزش دهد تا رقابت‌پذیری افزایش یابد (Eichengreen B. , 2021)؛
- ۲- شوک‌های نامتقارن: بحران ۲۰۰۸ تأثیر متفاوتی بر کشورها داشت (آلمان سریع‌تر بهبود یافت)، عدم امکان سیاست‌گذاری مستقل پولی، تعدیل شوک‌ها را سخت‌تر کرد (OECD, 2022)؛
- ۳- رقابت جهانی: ظهور چین و آسیای شرقی رقابت را تشدید کرد. سهم اروپا در صادرات جهانی از ۴۵ درصد در ۱۹۸۰ به ۳۰ درصد در ۲۰۲۰ کاهش یافته است (Baldwin, 2020)؛
- ۴- ساختارهای اقتصادی غیرمنعطف: کشورهای جنوب اروپا نتوانستند بازار کار را اصلاح کنند و به سمت صنایع با فناوری بالا حرکت کنند (Darvas, 2019)؛
- ۵- سیاست‌های مالی محدودکننده: قوانین بودجه‌ای یورو (حداکثر ۳ درصد کسری) مانع سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و زیرساخت‌های صادراتی شد؛ و اما استثنای موفق (اسلواکی و مالت) بودند که علت آن جذب FDI بالا (بیش از GDP ۵ درصد سالانه) تخصیص‌یابی در بخش‌های پُررشد (خودرو، فناوری مالی) و اصلاحات ساختاری سریع بوده است (Eurostat, 2023).
- تحلیل داده‌ها تأیید می‌کند که اتخاذ یورو در ترکیب با جهانی‌شدن و بحران‌های مالی، چالش‌های ساختاری برای صادرات اروپایی ایجاد کرده است. کشورهای کوچک‌تر شرق اروپا به دلیل انعطاف‌پذیری بیشتر و جذب FDI بهتر توانستند تا حدودی با این چالش‌ها کنار بیایند.
- اما این تحلیل‌ها نشان می‌دهد با وجود بهبودهای مقطعی، شکاف‌های ساختاری منطقه یورو نه تنها کاهش نیافته، بلکه در برخی حوزه‌ها (مانند سرمایه انسانی و بهره‌وری) عمیق‌تر شده است.
- در کل می‌توان گفت که یورو به‌عنوان ارز مشترک کشورهای عضو اتحادیه اروپا، مزایای چشمگیری برای این کشورها فراهم کرده است. اصلی‌ترین اثر مثبت آن، حذف هزینه‌های مربوط به تبدیل ارز و کاهش نوسانات ارزی است که باعث تسهیل و کاهش هزینه‌های تجارت داخلی شده است، به‌خصوص برای شرکت‌های کوچک و متوسط. این امر موجب افزایش شفافیت قیمت‌ها و رقابت سالم‌تر در بازار واحد اروپا شده و جریان کالا، خدمات و سرمایه را بهبود بخشیده است. همچنین، سیاست‌های پولی هماهنگ شده تحت مدیریت بانک مرکزی اروپا، به ایجاد ثبات اقتصادی و کنترل تورم کمک کرده و رشد اقتصادی منطقه را تقویت کرده است. این ثبات

اقتصادی، اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کرده و زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه بازارهای مالی یکپارچه‌تر را فراهم نموده است. یورو همچنین به‌عنوان نمادی از همبستگی سیاسی و اقتصادی کشورهای عضو، نقش مهمی در تقویت جایگاه اتحادیه اروپا در عرصه جهانی ایفا می‌کند.

باوجوداین و چنانچه گفته شد محدودیت‌هایی نیز وجود دارد؛ ازجمله اینکه اعضا قادر به اجرای سیاست‌های پولی مستقل برای مقابله با مشکلات اقتصادی داخلی نیستند که این مسئله در بحران‌ها می‌تواند منجر به افزایش بیکاری و کاهش رشد اقتصادی در برخی کشورها شود. علاوه‌براین، تفاوت‌های ساختاری و اقتصادی میان اعضا باعث شده است سیاست‌های پولی واحد نتواند به‌طور کامل پاسخگوی نیازهای همه کشورها باشد و گاهی موجب تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای گردد. به‌طور کلی، یورو با وجود فواید قابل‌توجه در تسهیل تجارت، ایجاد ثبات و تقویت همکاری اقتصادی، دارای محدودیت‌هایی در زمینه انعطاف‌پذیری اقتصادی و مدیریت بحران است.

یکی دیگر از مهم‌ترین انتقادات جدی به عملکرد حوزه یورو، توزیع نامتوازن منافع اقتصادی بین اعضای آن است. شواهد نشان می‌دهد که کشورهای بزرگ‌تر و دارای اقتصادهای قوی‌تر، به‌ویژه آلمان، به شکل نامتناسبی از پیاده‌سازی یورو بهره‌مند شده‌اند. این امر عمدتاً از طریق افزایش قابل‌توجه صادرات و تقویت مزیت رقابتی محقق شده، که سازوکار اثرگذاری آن به شکل زیر است:

۱- کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش دسترسی به بازارها: حذف نوسانات

ارزی و هزینه‌های تبدیل پول، صادرات کشورهای حوزه یورو را به یکدیگر افزایش داده است. بااین‌حال، اقتصادهای قوی‌تر مانند آلمان که از قبل دارای زیرساخت‌های تولیدی پیشرفته و زنجیره‌های تأمین کارآمد بودند، توانستند سهم بیشتری از این بازارها را تصاحب کنند (European Commission, 2021).

۲- تثبیت نرخ ارز به نفع صادرکنندگان قوی: پیش از یورو، کشورهای جنوب

اروپا مانند: ایتالیا و اسپانیا می‌توانستند از طریق کاهش ارزش پول ملی، رقابت‌پذیری قیمتی خود را افزایش دهند؛ اما با حذف این سازوکار، آلمان که متکی به کیفیت و بهره‌وری بالا است، بدون نیاز به کاهش قیمت‌ها، سهم بازار خود را گسترش داد (Baldwin & Giavazzi, 2015).

۳- مازاد تجاری ساختاری آلمان: داده‌های بانک مرکزی اروپا نشان می‌دهد که

آلمان به‌طور مداوم مازاد تجاری بالایی (معادل ۷-۸ درصد GDP) داشته است،

درحالی که بسیاری از کشورهای جنوب اروپا با کسری تجاری مواجه بوده‌اند. این عدم تعادل، انباشت بدهی در کشورهای ضعیف‌تر و افزایش قدرت اقتصادی آلمان را در پی داشته است (Sinn, 2018).

۷-۱. تحلیل پیامدها

- **تقویت چرخه معیوب:** موفقیت صادراتی آلمان منجر به جذب سرمایه‌گذاری بیشتر و ارتقای فناوری در این کشور شده است، درحالی که کشورهای ضعیف‌تر با کاهش سهم صنعتی روبه‌رو شده‌اند.
- **انتقادات سیاسی:** برخی اقتصاددانان استدلال می‌کنند که آلمان از یورو به عنوان یک ابزار سیاست تجاری استفاده کرده است، بدون آنکه هزینه‌های تعدیل اقتصادی را با دیگران تقسیم کند (Stiglitz, 2016).

۷-۲. محدودیت‌های تعمیم تجربه یورو به جهان اسلام

اگرچه تجربه یورو مهم‌ترین الگوی عملی اتحادیه پولی در جهان معاصر محسوب می‌شود، تعمیم آن به کشورهای اسلامی با محدودیت‌های جدی مواجه است. نخست، اقتصادهای عضو OIC از وابستگی بالاتری به منابع طبیعی، به‌ویژه نفت و گاز برخوردارند که آن‌ها را در معرض شوک‌های قیمتی نامتقارن قرار می‌دهد. دوم، دامنه ناهمگونی تولید ناخالص داخلی سرانه در جهان اسلام به مراتب گسترده‌تر از اتحادیه اروپا است. سوم، فقدان نهادهای فراملی تثبیت‌شده و انسجام ژئوپلیتیک، ریسک‌های نهادی اتحادیه پولی اسلامی را افزایش می‌دهد؛ بنابراین، تجربه یورو در این پژوهش نه به عنوان الگوی قابل تقلید، بلکه به مثابه منبعی برای استخراج درس‌های احتیاطی استفاده می‌شود.

۸. پول مشترک اسلامی

با عنایت به موارد فوق می‌توان گفت که برای تشکیل یک پول مشترک اسلامی که از چالش‌های موجود در تجربه یورو اجتناب کند، باید چندین رکن کلیدی را مدنظر قرار داد. این ارکان شامل همگرایی اقتصادی، انعطاف‌پذیری سیاست‌های پولی، یکپارچگی مالی، و تقویت نهادهای نظارتی است.

۱- همگرایی اقتصادی قبل از اتحاد پولی

یکی از دلایل اصلی مشکلات یورو، تفاوت‌های ساختاری و اقتصادی بین کشورهای

عضو بود. برای جلوگیری از این مسئله، کشورهای اسلامی باید قبل از معرفی پول مشترک، به سطح مناسبی از همگرایی اقتصادی برسند. این شامل موارد ذیل می‌گردد:

- هماهنگی در تورم و نرخ بهره (مطابق معیارهای معاهده ماستریخت که برای یورو استفاده شد)؛

- همگرایی در سیاست‌های مالی (کاهش کسری بودجه و بدهی عمومی)؛
- توسعه اقتصادی متوازن بین کشورها (برای جلوگیری از نابرابری منطقه‌ای) (Mundell, 1961; Frankel & Rose, 1998).

۲- انعطاف‌پذیری سیاست پولی و مالی

یورو به دلیل سیاست پولی واحد تحت کنترل (ECB) و سیاست‌های مالی مستقل کشورها، در بحران‌هایی مانند بحران بدهی یورو دچار مشکل شد. برای پول مشترک اسلامی سازوکارهای ذیل لازم است:

- سازوکارهای تعدیل شوک‌های نامتقارن (مانند صندوق تثبیت منطقه‌ای) ایجاد شود.
- سیاست‌های مالی هماهنگ (مانند محدودیت‌های عمومی) ولی با امکان انعطاف در مواقع بحران تعریف شود.
- حفظ برخی ابزارهای سیاستی مستقل برای کشورهای عضو در شرایط اضطراری (De Grauwe, 2016; Eichengreen B. , 2010).

۳- یکپارچگی مالی و بانکی

بحران یورو نشان داد که عدم یکپارچگی بازارهای مالی می‌تواند بحران‌ها را تشدید کند، پس:

- اتحادیه بانکی اسلامی با نظارت مشترک و سازوکارهای تضمین سپرده ایجاد شود.
- بازار سرمایه یکپارچه برای تسهیل جریان سرمایه بین کشورهای عضو شکل گیرد.
- کشورهای عضو از طریق همبستگی مالی قوی‌تر ریسک را حذف کنند (IMF, 2015; Véron, 2017).

۴- حاکمیت اسلامی و عدالت اقتصادی

از آنجاکه پول مشترک اسلامی باید مبتنی بر اصول عدالت اقتصادی و ممنوعیت ربا باشد، باید:

- سیستم پولی بدون بهره (بر اساس مشارکت، مضاربه، و سایر قراردادهای اسلامی) طراحی شود.

- صندوق زکات و صدقات منطقه‌ای برای کاهش نابرابری‌های بین کشورها ایجاد گردد.
- نهاد ناظر شرعی برای اطمینان از تطابق سیاست‌ها با شریعت تشکیل شود (Chapra, 2016; ISRA, 2020).

۵- تجربه‌های منطقه‌ای (مانند: ECO و Dinar طلایی)

برخی تلاش‌های گذشته برای پول مشترک اسلامی مانند دینار طلایی یا منطقه‌ای مانند پول مشترک ECO با چالش‌هایی مواجه شدند.

درس‌های کلیدی:

- نیاز به تعهد سیاسی قوی بین کشورهای عضو؛
- لزوم هماهنگی نهادهای حکومتی قبل از اجرا؛
- اهمیت پشتوانه قوی (مانند طلا یا منابع طبیعی مشترک) برای اعتماد به پول (Studwell, 2013).

اما چالش‌های خاص مربوط به پول مشترک اسلامی علاوه بر موارد قبلی:

- ۱- تفاوت‌های شدید اقتصادی بین کشورهای اسلامی: کشورهای اسلامی از نظر تولید ناخالص داخلی (GDP)، توسعه صنعتی و ثبات سیاسی تفاوت‌های فاحشی دارند (مثلاً مقایسه اندونزی با یمن) این ناهمگونی باعث می‌شود سیاست پولی واحد برای همه کارآمد نباشد (El-Gamal, 2004).
- ۲- عدم یکپارچگی سیاسی و رقابت بین کشورها: اتحادیه‌های پولی نیازمند انسجام سیاسی هستند (مانند اتحادیه اروپا). در جهان اسلام، رقابت‌های ژئوپلیتیک (مثل ایران و عربستان) می‌تواند مانع همکاری شود (Henry & Wilson, 2004).
- ۳- نبود نهادهای مالی یکپارچه و نظارتی قوی: بسیاری از کشورهای اسلامی بازارهای مالی ضعیف و نظام‌های بانکی ناپایدار دارند. بدون یک بانک مرکزی اسلامی قدرتمند، کنترل تورم و بحران‌ها سخت خواهد بود (Chapra, 2016).
- ۴- چالش تطبیق با شریعت در سطح بین‌المللی: تفسیرهای متفاوت از حلال و حرام مالی در کشورهای مختلف (مثل تفاوت مالزی و عربستان)، طراحی ابزارهای مالی اسلامی (مانند صکوک) که مورد قبول همه باشد، دشوار است (Iqbal & Mirakhor, 2011).
- ۵- وابستگی به درآمدهای نفتی و عدم تنوع اقتصادی: بسیاری از کشورهای اسلامی تک‌محصولی (نفت‌محور) هستند و در برابر شوک‌های قیمت نفت آسیب‌پذیرند. این موضوع ثبات پول مشترک را تهدید می‌کند (Kuran, 2004).

۶- ریسک بحران ارزی و فرار سرمایه: در صورت بی‌ثباتی، سرمایه‌گذاران ممکن است به سمت ارزهای دیگر (مثل دلار) فرار کنند. کنترل جریان سرمایه در برخی کشورها سخت است (Stiglitz, 2002).

باین‌حال می‌توان گفت که تحقق این بازار مشترک اسلامی و پول مشترک بین کشورهای اسلامی منافع کلی و کلان زیادی خواهد داشت. ازجمله هدایت سرمایه‌های مسلمانان به سمت توسعه اقتصادی، تقویت همکاری‌های تجاری و مالی بین کشورهای عضو، کاهش نرخ بهره و هزینه‌های مبادلاتی، افزایش ثبات اقتصادی و پولی، تقویت جایگاه سیاسی و اقتصادی جهان اسلام، کاهش وابستگی به ارزهای خارجی مانند دلار و یورو، تسهیل مبادلات بانکی و بورسی، و اجرای بهتر بانکداری اسلامی. همچنین، این اتحادیه می‌تواند به کاهش فقر، افزایش رفاه، و بهبود هماهنگی سیاست‌های مالی و پولی بین کشورهای عضو منجر شود. باین‌حال، ایجاد پول مشترک چالش‌هایی نیز به همراه دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

معایب ایجاد پول مشترک یا اتحادیه پولی اسلامی شامل افزایش بی‌ثباتی اقتصادی و مالی به دلیل ناهمگونی کشورهای عضو در سیاست، اقتصاد و فرهنگ، تقویت نابرابری بین کشورهای قوی و ضعیف‌تر (به نفع اقتصادهای بزرگ‌تر)، افزایش خطر سرایت بحران‌های مالی به دلیل گستردگی حوزه عملیات، ازدست‌دادن استقلال در سیاست‌گذاری‌های پولی و مالی ملی و کاهش انعطاف‌پذیری در مقابله با بحران‌های منطقه‌ای و جهانی است.

همچنین چالش‌های متعددی نیز وجود دارد: ازجمله تفاوت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین کشورهای عضو، فاصله جغرافیایی و درآمدی زیاد، ناهمگونی در سیستم‌های بانکی و سیاست‌های پولی، تنوع منابع درآمدی و شرکای تجاری، الزامات بانکداری اسلامی، بی‌ثباتی منطقه خاورمیانه، و ناهماهنگی‌های ساختاری. باین‌حال، اگر منافع بلندمدت آن مانند تقویت همگرایی اقتصادی و افزایش قدرت مالی جهان اسلام چشمگیر باشد، شاید بتوان با برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری اولیه بر این موانع غلبه کرد.

۹. ایران و پول مشترک اسلامی

برای ایران، پیوستن به پول مشترک اسلامی تنها یک انتخاب اقتصادی نیست بلکه راهبردی حیاتی برای خنثی‌سازی تحریم‌ها و تقویت حاکمیت مالی است. با جایگزینی تدریجی دلار با یک ارز اسلامی در مبادلات منطقه‌ای، ایران می‌تواند

شبکه‌ای امن از کانال‌های پرداخت ایجاد کند، مبادلات انرژی و کالاهای اساسی را از ریسک تحریم‌های آمریکا مصون نگه دارد و نقش خود را به‌عنوان قطب تجاری جهان اسلام تثبیت نماید؛ البته موفقیت این راهکار منوط به هماهنگی با کشورهای کلیدی مانند: ترکیه، مالزی و اندونزی، اصلاح نظام بانکی مطابق استانداردهای بین‌المللی و ایجاد نهادهای نظارتی شفاف برای جلب اعتماد شرکا است. در صورت تحقق، این اتحاد پولی نه تنها ابزاری برای توسعه اقتصادی، بلکه سپری دفاعی در برابر جنگ مالی غرب خواهد بود.

ایران با دارا بودن جایگاه محوری در میان ۶۰ درصد جمعیت آسیایی سازمان همکاری اسلامی (OIC) که در مجاورت آن قرار دارند، می‌تواند از پول مشترک اسلامی به‌عنوان ابزاری راهبردی برای خنثی‌سازی تحریم‌ها استفاده کند. سازوکار این امر مبتنی بر کاهش وابستگی به سیستم مالی دلارمحور است. دورزدن موانع بانکی مانند قطع ارتباط با سوئیفت از طریق جایگزینی تراکنش‌های فرامرزی با ارز اسلامی (مستند به کاهش ۰٫۵ درصد هزینه‌های مبادله در یورو).

ایران در این مسیر می‌تواند از تقویت اهرم‌های چانه‌زنی شامل موقعیت ترانزیتی، منابع انرژی (نفت/گاز) و بازار مصرف ۸۵ میلیونی برای جذب شرکای منطقه‌ای استفاده کرده و افزایش ۴۰-۶۰ درصد تجارت درون منطقه‌ای می‌تواند صادرات غیرنفتی ایران (از پتروشیمی تا صنایع غذایی) را به بازارهای اسلامی گسترش دهد. اما چالش‌های ساختاری ایران (وابستگی ۷۰ درصد به درآمدهای نفتی، ناهمگونی نظام بانکی و تفاوت‌های اقتصادی با کشورهایی مانند عربستان) نیازمند اصلاحات داخلی فوری است:

۱- افزایش شفافیت مالی برای جلب اعتماد کشورهای میانه‌رو (مانند: مالزی و اندونزی)؛

۲- همسوسازی نظام بانکی با استانداردهای بین‌المللی مطابق هشدار درباره ریسک نابرابری منافع؛

۳- ایجاد نهادهای نظارتی قوی برای جلوگیری از سلطه اقتصادی قدرت‌هایی مانند عربستان (درس بحران یونان در یورو).

اما هشدار تاریخی لازم است، بدون نهادهای تعدیل‌کننده شوک‌های نامتقارن (مانند صندوق تثبیت مالی)، منافع اصلی نصیب اقتصادهای صادرات‌محور خواهد شد (مانند آلمان در یورو). در این مسیر ائتلاف با کشورهای غیرنفتی (ترکیه، پاکستان) برای ایجاد توازن در مقابل بازیگران نفتی خلیج فارس و طراحی سازوکارهای ضدسلطه در نهادهای نظارتی مشترک کارساز خواهد بود.

۱۰. الزامات عملی تشکیل اتحادیه پولی اسلامی: تحلیل سناریوها،

چالش‌ها و راهکارها

۱۰-۱. شرایط نظام‌مند کشورهای اسلامی

از منظر اقتصادی برای تشکیل اتحادیه پولی اسلامی، همگرایی در شاخص‌های کلان اقتصادی ضروری است؛ اما در این خصوص و به‌صورت کلی تحلیل داده‌های سال ۲۰۲۳ برای کشورهای اسلامی موارد ذیل را نشان می‌دهد:

- ناهمگونی شدید در تورم: از ۵٫۲ درصد در امارات تا ۸۵ درصد در سودان (منبع: IMF).

- وابستگی به نفت: ۶۰ درصد کشورهای OIC وابسته به درآمدهای نفتی هستند که نوسانات قیمت نفت را به یک ریسک کلیدی تبدیل می‌کند.

- تفاوت در حجم: GDP تولید ناخالص داخلی ایران (۴۰۶ میلیارد دلار) در مقابل عربستان (۱٫۰۶ تریلیون دلار) (World Bank, 2023).

علاوه‌بر موارد فوق که اقتصادی هستند، تجربه تاریخی اتحادیه‌های پولی نشان می‌دهد که موفقیت یک پول مشترک، بیش از آنکه صرفاً تابع متغیرهای اقتصادی نظیر همگرایی تورم، تجارت درون‌منطقه‌ای یا پایداری مالی باشد، به میزان انسجام سیاسی، کیفیت نهادهای فراملی و سطح اعتماد نهادی میان کشورهای عضو وابسته است. بررسی تجربه اتحادیه اروپا آشکار می‌سازد که یورو نه به‌عنوان نقطه آغاز همگرایی، بلکه به‌مثابه نتیجه چند دهه ادغام سیاسی، حقوقی و نهادی شکل گرفت؛ فرایندی که از دهه ۱۹۵۰ با ایجاد نهادهایی نظیر کمیسیون اروپا، دیوان دادگستری و پارلمان اروپا آغاز شد و زمینه اعمال سیاست پولی واحد توسط نهادی مستقل و معتبر مانند بانک مرکزی اروپا را فراهم ساخت (Stiglitz, 2016).

درمقابل، در جهان اسلام، موانع سیاسی و نهادی نقشی به‌مراتب تعیین‌کننده‌تر از چالش‌های صرفاً اقتصادی ایفا می‌کنند. رقابت‌های ژئوپلیتیک میان قدرت‌های منطقه‌ای، به‌ویژه میان کشورهایمانند: ایران، عربستان سعودی و ترکیه، موجب تضعیف اعتماد متقابل و کاهش تمایل به واگذاری بخشی از حاکمیت پولی به یک نهاد مشترک می‌شود. افزون‌براین، ناهمگونی عمیق در نظام‌های حکمرانی — از پادشاهی‌های متمرکز تا جمهوری‌های دینی و دولت‌های سکولار — مانع از شکل‌گیری قواعد مشترک الزام‌آور و نهادهای فراملی با مشروعیت سیاسی گسترده می‌شود. این وضعیت سبب می‌گردد که هرگونه تلاش برای ایجاد پول مشترک

اسلامی، در غیاب چهارچوب نهادی قدرتمند، در معرض تعارض منافع و رفتارهای فرصت‌طلبانه دولت‌ها قرار گیرد (Wilson & Henry, 2004).

از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل، مسئله پول مشترک را نمی‌توان جدا از محدودیت‌های حاکمیت ملی تحلیل کرد. واگذاری سیاست پولی به یک نهاد فراملی مستلزم پذیرش محدودیت‌های جدی بر استقلال سیاست‌گذاری اقتصادی است؛ امری که حتی در اتحادیه اروپا نیز با مقاومت‌های سیاسی و اجتماعی گسترده همراه بوده است. در جهان اسلام که دولت‌ها اغلب پول ملی را نه تنها ابزار اقتصادی بلکه نماد حاکمیت سیاسی می‌دانند، این مقاومت به مراتب شدیدتر است. همان‌گونه که رودریک تأکید می‌کند، تعارض میان یکپارچگی اقتصادی عمیق، حاکمیت ملی و مشروعیت دموکراتیک، یکی از پارادوکس‌های بنیادین جهانی‌شدن است و اتحادیه‌های پولی دقیقاً در مرکز این تنش قرار دارند (Rodrik, 2011). در چنین چهارچوبی، فقدان نهادهای فراملی پاسخگو و مورد اجماع، ریسک فروپاشی یا ناکارآمدی هرگونه پول مشترک اسلامی را به شدت افزایش می‌دهد.

براین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که چالش اصلی پول مشترک اسلامی نه در نبود منافع بالقوه اقتصادی، بلکه در کمبود زیرساخت‌های سیاسی و نهادی نهفته است. بدون شکل‌گیری حداقلی از اعتماد ژئوپلیتیک، نهادهای نظارتی فراملی و سازوکارهای حل تعارض، تجربه یورو نشان می‌دهد که یک پول مشترک می‌تواند به جای تقویت همگرایی، به تعمیق شکاف‌های اقتصادی و سیاسی میان اعضا منجر شود. از این‌رو، هرگونه طرح واقع‌بینانه برای پول مشترک اسلامی ناگزیر باید تقدم نهادسازی سیاسی و اعتمادسازی منطقه‌ای را بر همگرایی پولی مورد تأکید قرار دهد.

۱۰-۲. سناریوهای اجرایی

بر اساس آنچه قبلاً بیان گردید در اینجا سناریو مزایا و چالش‌های کشورهای پیشرو را عنوان می‌کنیم:

جدول (۷): سناریوهای اجرایی مزایا و چالش‌های کشورهای پیشرو

ادغام تدریجی (بلوک به بلوک)	کاهش ریسک شوک‌های نامتقارن	زمان‌بر بودن	شورای همکاری خلیج فارس، اکو
پول موازی (همراه با ارز ملی)	حفظ استقلال پولی	پیچیدگی مدیریت نرخ ارز	مالزی، اندونزی
اتحادیه کامل (مانند یورو)	افزایش تجارت درون منطقه‌ای	از دست دادن حاکمیت مالی	نیاز به رهبری مشترک ایران، ترکیه و عربستان

۱۰-۳. ریسک‌های کلیدی

- اما ریسک‌های کلیدی پول مشترک اسلامی چه خواهند بود؟
- سیاسی: رقابت ایران و عربستان بر سر هژمونی منطقه‌ای؛
 - اقتصادی: تورم بالا در برخی کشورها (مانند ترکیه با ۵۴ درصد در ۲۰۲۳) می‌تواند ثبات پول مشترک را تهدید کند؛
 - فنی: تطابق بانکداری اسلامی با استانداردهای بین‌المللی (مثل حذف ربا در قراردادهای فرامرزی).

۱۰-۴. تفاوت‌های ذاتی با اروپا

- ضعف نهادهای فراملی: عدم وجود معادل پارلمان اروپا یا ECB در جهان اسلام؛
- تنوع سیاسی: از نظام‌های پادشاهی (عربستان) تا جمهوری‌های اسلامی (ایران) و دموکراسی‌های سکولار (اندونزی).

۱۰-۵. تحلیل‌های آماری (جدول پیشنهادی)

تعدادی از شاخص‌ها با اهمیت و تحلیل آماری آن‌ها در زیر آورده شده است:

جدول (۸): تعدادی از شاخص‌های با اهمیت و تحلیل آماری آن‌ها

شاخص	میانگین کشورهای OIC (درصد)	اختلاف معیار	کشورهای پرت
نرخ تورم (۲۰۲۳)	۱۸,۷	$5.32 \pm$	سودان (۸۵ درصد)، قطر (۲,۱ درصد)
نسبت بدهی به GDP	۶۳	$28 \pm$	لبنان (۱۵۰ درصد)، کویت (۱۲ درصد)
سهم تجارت درون منطقه‌ای	۱۵	$9 \pm$	مالزی (۲۲ درصد)، یمن (۵۵ درصد)

Source: (IMF World Economic Outlook, OIC Statistical Yearbook 2023)

۱۰-۶. مسائل فنی بانکداری اسلامی

- حذف ربا: طراحی سازوکارهای جایگزین مانند صکوک یا مشارکت در سود و زیان؛
- نهاد ناظر شرعی: ایجاد شورای فقهی مستقل برای نظارت بر انتشار اوراق مالی اسلامی

۱۱- الگوی اجرایی مرحله‌بندی‌شده و واقع‌بینانه تحقق پول مشترک اسلامی

مرحله اول: همگرایی پولی محدود مبتنی بر پول تسویه اسلامی در مقیاس خلیج فارس و پیرامون آن

در مرحله نخست، تحقق پول مشترک اسلامی باید از طریق همگرایی پولی محدود و کارکردمحور آغاز شود. شورای همکاری خلیج فارس به‌همراه ایران و عراق، به‌دلیل تمرکز بالای منابع انرژی، پیوندهای تجاری و نقش راهبردی در بازارهای جهانی، مناسب‌ترین بستر برای این مرحله محسوب می‌شوند. در این چهارچوب، هدف اصلی نه جایگزینی ارزهای ملی، بلکه طراحی یک **پول تسویه اسلامی** برای مبادلات منتخب است؛ پولی که به‌عنوان واحد حساب و ابزار تسویه در معاملات بین‌دولتی، بین‌بانکی و قراردادهای انرژی‌محور مورد استفاده قرار گیرد و هم‌زمان با اصول بانکداری اسلامی و منع ربا سازگار باشد.

منظور از پول تسویه اسلامی، یک واحد حساب و ابزار تسویه بین‌المللی است که صرفاً در مبادلات بین‌دولتی و بین‌بانکی به‌کار می‌رود و جایگزین ارزهای ملی نمی‌شود. این پول در اقتصاد داخلی گردش ندارد و نقشی در سیاست پولی کشورها ایفا نمی‌کند بلکه مبنای ثبت بدهی‌ها و بستانکاری‌های تجاری نزد یک نهاد تسویه مشترک است. کلیه عملیات مرتبط با آن بر پایه اصول بانکداری اسلامی و بدون ربا انجام می‌شود و به‌عنوان یک ابزار گذار نهادی کم‌ریسک، امکان کاهش تدریجی وابستگی به ارزهای مسلط بین‌المللی را فراهم می‌سازد.

برای کاهش حساسیت‌های ژئوپلیتیک و واکنش‌های احتمالی ایالات متحده و اتحادیه اروپا، پیشنهاد می‌شود ارزش این پول تسویه در مرحله آغازین بر پایه یک **سبد ارزی چندگانه** متشکل از دلار آمریکا، یورو، ین ژاپن و یوان چین تعیین شود. استفاده از چنین سیدی، ضمن کاهش وابستگی به یک ارز خاص، امکان گذار تدریجی به سازوکارهای مستقل‌تر را فراهم می‌سازد و هزینه‌های سیاسی و مالی پروژه را در کوتاه‌مدت کاهش می‌دهد. در این مرحله، تمامی عملیات تسویه باید از طریق ابزارهای مالی اسلامی نظیر صکوک، قراردادهای مشارکتی و سازوکارهای بدون بهره انجام شود تا مشروعیت فقهی و پذیرش نهادی آن تقویت گردد.

باین‌حال، همین گام ابتدایی با چالش‌های جدی مواجه است. تحریم‌های مالی و بانکی علیه ایران، ریسک تحریم ثانویه برای بانک‌ها و شرکت‌های کشورهای عربی

خلیج فارس را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، وابستگی ساختاری بسیاری از این کشورها به دلار و نظام مالی غرب، نگرانی‌هایی درباره ثبات ارزی، خروج سرمایه و واکنش منفی بازارهای بین‌المللی ایجاد می‌کند. در مورد عراق نیز، ضعف نهادهای مالی، آثار ماندگار جنگ و شکنندگی امنیتی، ظرفیت این کشور برای مشارکت فعال را محدود می‌سازد. افزون‌براین، ایالات متحده کاهش نقش دلار در تجارت انرژی منطقه را تهدیدی راهبردی تلقی کرده و احتمال اعمال فشارهای سیاسی و حقوقی برای مهار چنین ابتکاری وجود دارد، درحالی‌که اتحادیه اروپا نیز ممکن است نسبت به تضعیف جایگاه یورو در مبادلات منطقه‌ای حساس باشد.

مرحله دوم: نهادسازی پولی - تسویه‌ای و شکل‌دهی نهاد سیاست‌گذار مشترک

در مرحله دوم، پس از اجرای محدود پول تسویه و ارزیابی آثار آن، ایجاد یک نهاد مشترک سیاست‌گذار و ناظر پولی ضروری است. این نهاد که می‌توان از آن با عنوان «شورای سیاست‌گذاری پولی و مالی اسلامی منطقه‌ای» یاد کرد، وظیفه تدوین قواعد تسویه، نظارت بر انضباط مالی، هماهنگی چهارچوب‌های نظارتی و تضمین انطباق ابزارها با اصول بانکداری اسلامی را بر عهده خواهد داشت. این شورا، برخلاف بانک مرکزی واحد، در این مرحله وارد سیاست‌گذاری پولی کلان نخواهد شد و تمرکز آن بر ثبات، شفافیت و اعتمادسازی نهادی است.

وجود یک شورای فقهی مستقل در کنار نهاد سیاست‌گذار، برای تطبیق ابزارهای مالی با شریعت اسلامی و کاهش اختلافات تفسیری میان کشورها، نقش کلیدی ایفا می‌کند. تجربه شورای همکاری خلیج فارس نشان می‌دهد که نهادسازی پولی حتی بدون تحقق پول واحد، می‌تواند زمینه همگرایی تدریجی و کاهش هزینه‌های مبادله را فراهم سازد.

مرحله سوم: ایجاد صندوق تثبیت اسلامی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر

شوکه‌ها و فشارهای خارجی

در مرحله سوم، ایجاد یک صندوق تثبیت مالی اسلامی به‌عنوان مکمل نهاد سیاست‌گذار و پول تسویه، اهمیت ویژه‌ای دارد. این صندوق با استفاده از ابزارهای مالی اسلامی، ازجمله انتشار صکوک منطقه‌ای و تخصیص بخشی از مازاد تجاری، طراحی می‌شود و هدف آن مدیریت شوک‌های نامتقارن، کاهش آثار تحریم‌ها و جلوگیری از انتقال نامتوازن هزینه‌های بحران به اقتصادهای آسیب‌پذیرتر است. بااین‌حال، نگرانی کشورهای ثروتمندتر خلیج فارس از انتقال منابع به اقتصادهای

پریسک‌تر، مستلزم تدوین قواعد سخت‌گیرانه و شفاف برای استفاده از منابع صندوق خواهد بود.

مرحله چهارم: الگوی پیوستن تدریجی و مشروط سایر کشورهای اسلامی

پس از موفقیت نسبی مراحل اول و دوم، الگوی پیوستن سایر کشورهای اسلامی باید به‌صورت تدریجی، مشروط و چندسطحی طراحی شود. در این الگو، کشورها ابتدا به‌عنوان عضو ناظر وارد سازوکار پول تسویه می‌شوند و تنها پس از رعایت معیارهایی مشخص، ازجمله ثبات نهادی، شفافیت مالی، سازگاری با بانکداری اسلامی و حجم تجارت با هسته اولیه، به عضویت کامل دست می‌یابند. کشورهای مانند ترکیه، مالزی و اندونزی می‌توانند در گام نخست به پول تسویه بپیوندند و در مراحل بعدی، با موفقیت در دوره‌های آزمایشی، به سطوح بالاتر همگرایی پولی وارد شوند. این ساختار، امکان گسترش شبکه‌ای و کنترل‌شده پول مشترک اسلامی را فراهم می‌سازد.

نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف عبور از رویکردهای توصیفی و آرمان‌گرایانه رایج در ادبیات پول مشترک اسلامی، تلاش کرد امکان تحقق این ایده را در چهارچوبی واقع‌بینانه، مرحله‌بندی‌شده و سیاست‌محور بررسی نماید. در بخش‌های ابتدایی، با مرور انتقادی ادبیات نظری و تجربه اتحادیه پولی اروپا، به‌ویژه تجربه یورو، نشان داده شد که موفقیت یا ناکامی یک پول مشترک بیش از آنکه به مزایای بالقوه آن وابسته باشد، به کیفیت نهادسازی، تدریج‌گرایی در اجرا و وجود سازوکارهای تعدیل شوک‌های نامتقارن بستگی دارد. این یافته، مبنای طراحی چهارچوب پیشنهادی مقاله در بخش‌های بعدی قرار گرفت.

در ادامه، مقاله با تمرکز بر شرایط خاص کشورهای اسلامی و ناهمگونی عمیق نهادی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها، استدلال کرد که تکرار مسیر اتحادیه اروپا یا جهش مستقیم به سمت پول واحد اسلامی نه ممکن است و نه مطلوب. براین‌اساس، مفهوم «پول تسویه اسلامی» به‌عنوان یک ابزار گذار نهادی معرفی شد؛ ابزاری که بدون جایگزینی ارزهای ملی و بدون مداخله در سیاست پولی داخلی کشورها، امکان کاهش تدریجی وابستگی به ارزهای مسلط بین‌المللی را فراهم می‌سازد. بالاین‌حال، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحقق پول مشترک اسلامی بیش‌ازآنکه تابع همگرایی اقتصادی باشد، به سطح انسجام سیاسی، کیفیت نهادهای فراملی و اعتماد نهادی میان کشورهای عضو وابسته است. تجربه اتحادیه پولی اروپا نشان می‌دهد که

فقدان این پیش‌نیازها می‌تواند حتی در اقتصادهای نسبتاً همگن نیز به بی‌ثباتی منجر شود. تأکید مقاله بر انطباق این سازوکار با اصول بانکداری اسلامی و استفاده از ابزارهای مالی بدون ربا، تلاش دارد تمایز این الگو را با طرح‌های صرفاً فنی یا تکنوکراتیک برجسته سازد.

در بخش الگوی اجرایی، مقاله با اتخاذ رویکرد مرحله‌بندی‌شده، شورای همکاری خلیج فارس به همراه ایران و عراق را به عنوان هسته اولیه همگرایی پولی اسلامی معرفی کرد و نشان داد که تمرکز بر مبادلات انرژی‌محور و استفاده از پول تسویه منطقه‌ای می‌تواند نقطه شروع کم‌ریسک‌تری نسبت به پول واحد باشد. در عین حال، مقاله به صورت صریح به موانع تحقق حتی این گام اولیه پرداخت و نقش تحریم‌های مالی علیه ایران، شکنندگی نهادی عراق، وابستگی ساختاری کشورهای خلیج فارس به دلار و فشارهای ژئوپلیتیک ایالات متحده و اتحادیه اروپا را در محدودسازی دامنه مانور سیاستی کشورهای منطقه مورد تأکید قرار داد. طرح این محدودیت‌ها، تلاش آگاهانه‌ای برای پرهیز از نگاه خوش‌بینانه و غیرواقع‌بینانه به پروژه پول مشترک اسلامی بوده است.

در ادامه، با تأکید بر تجربه نهادی شورای همکاری خلیج فارس، ضرورت ایجاد یک نهاد مشترک سیاست‌گذار و ناظر پولی مطرح شد؛ نهادی که در مراحل اولیه، به جای سیاست‌گذاری پولی واحد، بر تنظیم قواعد تسویه، انضباط مالی و هماهنگی نظارتی تمرکز داشته باشد. همچنین ایجاد صندوق تثبیت مالی اسلامی به عنوان پاسخی به کاستی‌های تجربه یورو و ابزاری برای مدیریت شوک‌های نامتقارن، به‌ویژه در اقتصادهای آسیب‌پذیرتر، مورد توجه قرار گرفت. مقاله نشان داد که بدون چنین مکانیسم‌هایی، هرگونه همگرایی پولی در سطح تسویه در معرض بی‌ثباتی و تعارض منافع قرار خواهد گرفت.

در نهایت، مقاله با ترسیم الگوی پیوستن تدریجی و مشروط سایر کشورهای اسلامی، تلاش کرد نشان دهد که پول مشترک اسلامی می‌تواند به صورت یک شبکه باز و قابل گسترش طراحی شود، نه پروژه‌ای بسته و یک‌باره. در این چهارچوب، کشورهایی با ثبات نهادی بالاتر و پیوندهای تجاری قوی‌تر می‌توانند پس از موفقیت مراحل اولیه، به سازوکار پول تسویه بپیوندند و تنها در افق بلندمدت و تحت شرایط مشخص، به سطوح بالاتر همگرایی دست یابند.

برآیند تحلیل‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ارزش افزوده اصلی مقاله در ارائه یک چهارچوب اجرایی واقع‌بینانه برای تحقق تدریجی پول مشترک اسلامی

نهفته است؛ چهارچوبی که هم محدودیت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیک موجود را به رسمیت می‌شناسد و هم مسیرهای عملی و قابل اقدام برای کاهش وابستگی پولی کشورهای اسلامی به نظام مالی مسلط را ترسیم می‌کند. این چهارچوب می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های تجربی آتی و نیز تصمیم‌سازی سیاستی در سطح منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای قرار گیرد. براین اساس، حرکت مستقیم به سوی پول واحد اسلامی نه واقع‌بینانه است و نه کم‌ریسک؛ بلکه رویکرد مرحله‌بندی شده مبتنی بر پول تسویه مشترک و همگرایی نهادی، مسیر مناسب‌تری برای جهان اسلام محسوب می‌شود.

رهنمودهای سیاستی برای کشورهای اسلامی و ایران در مسیر شکل‌گیری پول مشترک اسلامی

۱- **تقویت همگرایی اقتصادی واقعی:** کشورهای اسلامی پیش از ورود به مرحله پول مشترک باید سطح تعاملات تجاری و هماهنگی اقتصادی خود را افزایش دهند. ایران می‌تواند در ایجاد بازار مشترک اسلامی نقش محوری ایفا کند.

۲- **هماهنگ‌سازی سیاست‌های پولی و مالی:** هماهنگی در سیاست‌های پولی، نرخ بهره، کنترل تورم و بودجه دولت‌ها شرط اساسی موفقیت پول واحد است. تشکیل «شورای هماهنگی پولی کشورهای اسلامی» گام مؤثری در این مسیر خواهد بود.

۳- **ایجاد نهادهای مالی و آماری مشترک:** وجود نظام آماری و مالی منسجم میان کشورها برای تصمیم‌گیری دقیق ضروری است. ایران می‌تواند با توجه به ظرفیت کارشناسی خود، میزبانی چنین نهادی را برعهده گیرد.

۴- **گسترش بازارهای مالی اسلامی:** توسعه بانکداری و ابزارهای مالی منطبق با شریعت، مانند صکوک، می‌تواند پشتوانه اعتماد و ثبات برای پول مشترک اسلامی باشد.

۵- **کاهش وابستگی به نفت و تنوع‌بخشی اقتصادی:** کشورهای اسلامی باید با سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی، کشاورزی و فناوری، ساختار اقتصادی خود را متنوع‌تر کنند تا در برابر نوسانات نفتی آسیب‌پذیر نباشند.

۶- **ایجاد صندوق تثبیت مالی اسلامی:** تشکیل صندوقی مشابه صندوق تثبیت اروپا می‌تواند در زمان بحران‌های اقتصادی از کشورهای آسیب‌پذیر حمایت کند و به ثبات پول مشترک کمک نماید.

۷- **توسعه نظام پرداخت و تسویه منطقه‌ای:** ایجاد سامانه پرداخت مشترک اسلامی، وابستگی به نظام‌های مالی غربی را کاهش داده و مبادلات درون‌اسلامی را

تسهیل می‌کند.

۸- **تقویت همکاری سیاسی و اعتماد متقابل:** شکل‌گیری پول واحد بدون اعتماد سیاسی پایدار ممکن نیست. ایران می‌تواند از طریق دیپلماسی اقتصادی و همکاری منطقه‌ای، نقش میانجی و تسهیل‌گر ایفا کند.

۹- **مرحله‌بندی اجرای پول مشترک:** اجرای تدریجی در سه گام - اتحادهای منطقه‌ای کوچک، هماهنگی پولی و درنهایت انتشار پول واحد - راهی واقع‌بینانه برای پیشبرد این طرح است.

۱۰- **تدوین نقشه راه ملی برای ایران:** ایران باید با تدوین برنامه‌ای بلندمدت، اصلاحات بانکی و مالی را پیش برده و زمینه ارتقای جایگاه ریال در تعاملات اقتصادی جهان اسلام را فراهم کند.

فهرست منابع

پیران‌خو، سحر؛ امیدی، علی و باستانی‌فر، ایمان (۱۴۰۳). اقتصاد سیاسی بین‌المللی شدن ارزش‌های نوظهور؛ تحلیلی بر روندها و پیامدهای بین‌المللی شدن یوان. *فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی بین‌المللی*، (۷۸)، ۱-۲۸.

رجبی، احسان (۱۳۸۷). منافع و هزینه‌های پول مشترک در بازار مشترک اسلامی. *فراپند مدیریت و توسعه*، ۲۱، ۳۵-۵۴.

رزاقی، سمیه و سلمانی، بهزاد (۱۳۹۸). بررسی امکان تشکیل منطقه بهینه پولی در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی (OIC) با استفاده از تکنیک خوشه‌بندی فازی و خوشه‌بندی سنتی. *نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ۲۰، ۱-۲۰.

زراءنژاد، منصور؛ فرازمند، حسن و فقه مجیدی، علی (۱۳۹۳). بررسی اثر پول مشترک بر تجارت خارجی کشورهای اسلامی طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۰. *اقتصاد پولی و مالی، پاییز و زمستان*، (۲)، ۱-۲۸.

شریفی، افسانه و عابدی، مهدی (۱۳۸۸). اتحادیه عرب: واکاوی یک ناکام: بررسی موانع درونی و ساختاری همگرایی عربی. *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی سال اول*، ۱۲۹-۱۶۲.

فقه مجیدی، علی؛ احمدزاده، خالد و نجفی‌زاده، سیده‌فاطمه (۱۳۹۹). اثر پول مشترک بر تجارت دوجانبه بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای با رویکرد اقتصادسنجی فضایی. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، (۳۵).

- AMECO. (2023). *Database 2023* .Brussels: European Commission.
- Ankasha, A. & Shahzad Shabbir, M. (2019). Common currency for Islamic countries: is it viable ?*Transnational Corporations Review*, 222-234.
- Baldwin, R. & Giavazzi, F. (2015). The Eurozone Crisis: A Consensus View of the Causes and a Few Possible Solutions .CEPR Press.
- Baldwin, R. & Wyplosz, C. (2019). *The Economics of European Integration*. 6th ed .McGraw-Hill.
- Baldwin, R. & Wyplosz, C. (2022). *The Economics of European Integration* .McGraw Hill.
- Baldwin, R. (2020). The Globotics Upheaval: Globalization, Robotics, and the Future of Work .Oxford.
- Chapra, M. U. (2016). The Future of Economics: An Islamic Perspective . Kube Publishing Ltd.
- Dar, H. A. & Presley, J. R. (2001). Islamic Finance: A Western Perspective .*International Journal of Islamic Financial Services*, 3(1), 1-13.
- Darvas, Z. (2019). The Euro Area's Decade of Stagnation .*Bruegel Policy Contribution*, (6).
- De Grauwe, P. (2016). *Economics of Monetary Union* .Oxford: Oxford.
- De Grauwe, P. (2018). *Economics of Monetary Union* .Oxford University Press.
- Douglas, Campbell L.; Chentsov, Aleksandr (2023). Breaking badly: the currency union effect on trade .*Journal of International Money and Finance*, (136), 102840.
- ECB. (2023). *data portal* .Frankfurt: European Central Bank.
- Eichengreen, B. (2010). The Euro: Love It or Leave It ?*Oxford Review of Economic Policy*, 26(3), 385-404.
- Eichengreen, B. (2020). The Euro: How a Common Currency Threatens the Future of Europe .Oxford: Oxford University Press.
- Eichengreen, B. (2021). The Euro: How a Common Currency Threatens the Future of Europe .Oxford UP.
- El-Gamal, M. A. (2004). Islamic Finance: Law, Economics, and Practice. Cambridge.
- ELSTAT. (2023). *Greece in Figures* .Athens :Hellenic Statistical Authority.
- European Commission (2021). *The Economic Impact of the Euro* . Publications Office of the EU.
- European Commission (2022). *The Economic Impact of the Euro* . Directorate-General for Economic and Financial Affairs.
- Falianty, T. (2006). Endogenitas Dari Indikator Optimum Currency: Studi Empiris Di Negara ASEAN .*Jurnal Ekonomi dan Pembangunan Indonesia*, 4(2), 1-29.
- Frankel, J. A. & Rose, A. K. (1998). The Endogeneity of the Optimum Currency Area Criteria .*The Economic Journal*, 108(449), 1009-1025.
- Frankel, J. A. & Rose, A. K. (2002). Frankel, Jeffrey An Estimate of the Effect of Common Currencies on Trade and Income .*Frankel, Jeffrey*

- A., and Andrew K. Rose. "An Estimate of the Effect of CThe Quarterly Journal of Economics, 117(2), 437-466.
- Gordon, T. (2024). The Pros and Cons of a Common European Currency: A Multicountry Analysis. *Journal of International Economics and Monetary Policy*, 15(2), 45-67.
- Henry, C. M. & Wilson, R. (2004). *The Politics of Islamic Finance*. Edinburgh.
- Ilzetzki, E., Reinhart, C. M. & Rogoff, K. S. (2020). Why is the euro punching below its weight? *Economic Policy*, 35(103), 405-460.
- IMF. (2015). *Islamic Finance and Financial Sharia-Compliant Financial Instruments*. International Monetary Fund.
- IMF. (2023). *International Monetary Fund. Annual Report 2023*. IMF.
- Iqbal, Z. & Mirakhor, A. (2011). *An Introduction to Islamic Finance: Theory and Practice*. Wiley.
- Ismath Obiyathullah, B. (2006). A Common Currency Area for MENA. *International Journal of Emerging*, 197-215.
- ISRA. (2020). *Islamic Monetary Union: Prospects and Challenges*. Islamic Monetary Union: Prospects and Challenges.
- Jaccard, I. & Smets, F. (2017). *Structural Asymmetries and Financial Imbalances in the Eurozone*. ECB Working Paper No. 2076, European Central Bank, June.
- Jurado, I., Walter, S., Konstant, N. & Dinas, E. (2020). Keeping the euro at any cost? Explaining attitudes toward the euro-austerity trade-off in Greece. *European union politics*, 21(3), 385-405.
- Kamar, B. & Bakardzhieva, D. (2013). *Economic Integration in the Middle East and North Africa*. World Bank Policy Research Working Paper, no. 6627.
- Kamar, B. (2004). De Facto Exchange Rate Policies in the MENA Region: Toward. *Paper presented for the 11th Annual Conference of The*, 1-24.
- Kawai, M. & Motonishi, T. (2005). *Is East Asia an Optimum Currency Area?* IMF Working Paper, no. 05/59.
- Kenen, P. B. (1969). The Theory of Optimum Currency Areas: An Eclectic View." *Monetary Problems of the International Economy*, edited by Robert A. Mundell and Alexander K. Swoboda. University of Chicago Press, 1969, 41-60.
- khan, M. M. (2008). The GCC Monetary Union—Choice of Exchange Rate Regime. *INTERNATIONAL MONETARY FUND*, 1-41.
- Khan, M. S. & Sharma, S. (2008). Economic Integration and Monetary Union in the Gulf Cooperation Council. *World Economics*, 9(3), 1-22.
- Khan, M. S. (2009). The GCC Monetary Union: Choice of Exchange Rate Regime. *Peterson Institute for International Economics Working Paper Series*, (09-1), 1-32.
- Kuran, T. (2004). *Islam and Mammon: The Economic Predicaments of Islamism*. Princeton.
- Lee, G. (2011). Gold dinar for the Islamic countries? *Economic Modelling*, 28(4), 1573-1586.

- Masson, P. R. & Pattillo, C. (2005). *The Monetary Geography of Africa* .Brookings Institution Press.
- Memet, A. (2018). THE SINGLE CURRENCY FOR ISLAMIC NATIONS: DO HETEROGENEITIES MATTER ?*Islamic Monetary Economics and Finance*, 223-236.
- Mundell, R. A. (1961). A Theory of Optimum Currency Areas .*The American Economic Review*, 51(4), 657-665.
- Mursa, G. (2014). *Euro – Advantages and Disadvantages* .CES Working Papers, 6(3), 60-67. EconStor.
- OECD. (2023). *OECD Economic Outlook, 2023* .paris: Organisation for Economic Co-operation and Development.
- Rodrik, D. (2011). *The Globalization Paradox: Democracy and the Future of the World Economy* .New York City: W. W. Norton & Company.
- Rose, A. K. (2000). One Money, One Market: Estimating the Effect of Common Currencies on Trade .*Economic Policy*, 15(30), 7-46.
- Sala-i-Martin, X. & Sachs, J. (1992). *Federal Fiscal Policy and Optimum Currency Areas* .Harvard Institute of Economic Research Working Paper, no. 1588.
- SESRIC. (2015). Statistic and database .<http://www.sesrtic.org>
- Sinn, H.-W. (2018). *The Euro Trap: On Bursting Bubbles, Budgets, and Beliefs* .Oxford.
- Stiglitz, J. E. (2002). *Globalization and Its Discontents* .W. W. Norton & Company.
- Stiglitz, J. E. (2016). *The Euro: How a Common Currency Threatens the Future of Europe* .W.W. Norton & Company.
- Studwell, J. (2013). *How Asia Works: Success and Failure in the World's Most Dynamic Region* .Profile Books Ltd.
- Union, P. O. (2023). *Regional Yearbook. (2023)* Luxembourg: Eurostat, Statistical Office of the European Union.
- Véron, N. (2017). Europe's Capital Markets Union and the Euro .*Bruegel Policy Contribution*, 1-20.
- World Bank (2015). New Country Classifications .<http://data.worldbank.org>
- World Bank (2023). *Transparency International* .Washington, D.C: World Bank.